فصلنامه مطالعات محیط زیست، منابع طبیعی و توسعه پایدار
سال نهم، شماره ۴ (پیاپی: ۳۳)، زمستان ۱۴۰۴
ISSN: 2588-4255

بررسی و ارزیابی چارچوب تعهداتی دولت‌ها در حفاظت از محیط‌زیست تالاب‌ها

هانیه ترکمان[۱]، بهنام رستگاری[۲]، صدیقه قاسمی[۳]*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۸/۲۲
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۲۵
کد مقاله: ۶۸۲۰۲

چکـیده

کنوانسیون رامسر در سال ۱۹۷۱، اولین معاهده مهم چند جانبه زیست‌محیطی محسوب می‌شود که بر مبنای آن، جامعه بین‌المللی همکاری وسیعی در زمینه محیط‌زیست، بویژه تالاب‌ها را شروع نمود. با گذر زمان، فعالیت‌های کنفرانس و نشست‌های دولت‌های متعاهد توسعه یافته و تفاسیر مطلوبی را از اصول اساسی معاهده مطرح کرده است و این امر موجبات حفظ کارایی کنوانسیون با وجود تغییرات در شرایط و مقتضیات زیست‌محیطی را فراهم کرده است. بر این اساس، هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی و ارزیابی چارچوب تعهداتی دولت ها در حفاظت از محیط زیست تالاب‌ها بوده که با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی، میزان کارآمدی این تعهدات مورد ارزیابی قرار گیرد. یافته‌ها نشان می‌دهد که ماهیت عمدتاً نرم تعهدات کنوانسیون رامسر، فقدان ضمانت‌های اجرایی الزام‌آور و وابستگی گسترده اجرای مفاد آن به اراده و سیاست‌گذاری داخلی دولت‌ها، موجب شده که کارآمدی عملی آن در جلوگیری از تخریب تالاب‌ها با چالش‌های جدی مواجه باشد. نتایج نشان داد که حفاظت از تالاب‌ها، در نظام حقوق بین‌الملل محیط زیست، بیش از آنکه صرفاً یک تعهد زیست‌محیطی باشد، بازتابی از تحول نگرش جامعه بین‌المللی نسبت به پیوند میان محیط زیست، توسعه و منافع انسانی است. می‌توان نتیجه گرفت که اگرچه کنوانسیون رامسر به‌عنوان سنگ‌بنای حقوق بین‌الملل تالاب‌ها، دستاوردهای مفهومی و نهادی ارزشمندی به همراه داشته، اما پاسخ‌گویی به چالش‌های نوظهور زیست‌محیطی مستلزم بازخوانی انتقادی تعهدات دولت‌ها، تقویت سازوکارهای نظارتی، و حرکت به‌سوی تعهدات مؤثرتر و هماهنگ‌تر در سطوح ملی، منطقه‌ای و جهانی خواهد بود. در پایان پیشنهادات اجرایی برای سیاستگذاران و نهادهای مربوطه ارائه شده است.

واژگـان کلـیدی: تعهدات دولت‌ها، معاهدات بین‌المللی حفاظت، تالاب‌ها

۱- کارشناس ارشد حقوق مالی و اقتصادی و کارشناس امور حقوقی در مرکز تحقیقات و آموزش کشاورزی و منابع طبیعی استان فارس، فارس، شیراز.
۲- دکترای حقوق بین الملل عمومی، و استادیار، موسسه آموزش عالی زند شیراز، فارس، شیراز.
۳ - دکترای توسعه کشاورزی و مدرس، مرکز تحقیقات و آموزش کشاورزی و منابع طبیعی استان فارس، فارس، شیراز
ghasemi.s.sh@gmail.com

۱- مقدمه

تالاب‌ها به‌عنوان یکی از پیچیده‌ترین و در عین حال آسیب‌پذیرترین اکوسیستم‌های طبیعی، جایگاهی بنیادین در حفظ تعادل‌های زیست‌محیطی، تنوع زیستی و پایداری منابع طبیعی دارند. این زیست‌بوم‌ها علاوه بر نقش اساسی در تنظیم چرخه آب، کنترل سیلاب‌ها، تعدیل اقلیم و پالایش طبیعی آلاینده‌ها، زیستگاه گونه‌های متعددی از گیاهان و جانوران، به‌ویژه پرندگان آبزی و مهاجر، به شمار می‌آیند. با این حال، فشارهای فزاینده ناشی از فعالیت‌های انسانی نظیر توسعه نامتوازن، تغییر کاربری اراضی، بهره‌برداری ناپایدار از منابع آب و آلودگی‌های صنعتی و کشاورزی، تالاب‌ها را در زمره آسیب‌پذیرترین عناصر محیط زیست جهانی قرار داده است .در واکنش به این روند نگران‌کننده، جامعه بین‌المللی از دهه‌های پایانی قرن بیستم به تدریج به ضرورت ایجاد چارچوب‌های حقوقی مشترک برای حفاظت از تالاب‌ها و مدیریت پایدار آن‌ها پی برد. در این میان، کنوانسیون رامسر ۱۹۷۱ به‌عنوان نخستین معاهده مدرن بین‌المللی که به‌طور خاص به حفاظت از تالاب‌ها اختصاص یافته است، نقطه عطفی در تحول حقوق بین‌الملل محیط زیست محسوب می‌شود. این کنوانسیون با معرفی مفهوم «استفاده عاقلانه از تالاب‌ها»، کوشید تا رویکردی متوازن میان حفاظت اکولوژیک و بهره‌برداری انسانی ایجاد کند و بدین‌سان، زمینه شکل‌گیری نگرشی اکوسیستم‌محور را در رژیم‌های حقوقی بعدی فراهم آورد .با وجود گذشت بیش از پنج دهه از تصویب کنوانسیون رامسر و افزایش چشمگیر تعداد دولت‌های عضو، شواهد تجربی و گزارش‌های بین‌المللی حاکی از آن است که روند تخریب و زوال تالاب‌ها نه‌تنها متوقف نشده، بلکه در بسیاری از مناطق جهان شدت یافته است (باقرزاده‌کریمی، ۱۳۹۳). این واقعیت پرسش‌های اساسی را در خصوص کارآمدی چارچوب‌های حقوقی موجود و میزان اثربخشی تعهدات دولت‌ها در قبال حفاظت از تالاب‌ها مطرح می‌سازد. به‌ویژه ماهیت غالباً نرم تعهدات مندرج در کنوانسیون رامسر، فقدان ضمانت‌های اجرایی الزام‌آور و وابستگی اجرای مفاد آن به سیاست‌گذاری‌های داخلی دولت‌ها، چالش‌های جدی را در مسیر تحقق اهداف این معاهده ایجاد کرده است .از سوی دیگر، تحول مفاهیمی چون توسعه پایدار، ارزیابی اثرات زیست‌محیطی، مدیریت یکپارچه منابع طبیعی و رویکرد اکوسیستم‌محور، ضرورت بازخوانی و تحلیل انتقادی تعهدات دولت‌ها در چارچوب کنوانسیون رامسر را دوچندان می‌کند. بررسی این تعهدات، نه‌تنها از منظر حقوقی، بلکه در پیوند با ملاحظات نهادی، اجرایی و سیاست‌گذاری، می‌تواند تصویری دقیق‌تر از نقاط قوت و ضعف رژیم حقوقی حفاظت از تالاب‌ها ارائه دهد و راهکارهایی عملی برای ارتقای کارآمدی آن پیشنهاد کند (بدیسار و احمدی، ۱۳۹۶).بر این اساس، مقاله حاضر با هدف تحلیل و ارزیابی چارچوب تعهدات دولت‌ها در حفاظت از محیط زیست تالاب‌ها، به‌ویژه در پرتو کنوانسیون رامسر، به بررسی ماهیت حقوقی این تعهدات، میزان الزام‌آوری آن‌ها و چالش‌های اجرایی پیش‌روی دولت‌ها می‌پردازد. در نهایت، پژوهش حاضر تلاش دارد ضمن تبیین کاستی‌های موجود، چشم‌اندازهایی برای تقویت نظام حقوقی حفاظت از تالاب‌ها در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی ارائه دهد.

۲- روش پژوهش

پژوهش حاضر از حیث هدف، بنیادی و از نظر ماهیت، توصیفی–تحلیلی است و با بهره‌گیری از رویکرد کیفی انجام شده است. تمرکز اصلی تحقیق بر تحلیل چارچوب حقوقی تعهدات دولت‌ها در حفاظت از محیط زیست تالاب‌ها، به‌ویژه در پرتو کنوانسیون رامسر، قرار دارد و تلاش شده است با تبیین مفاهیم، اصول و قواعد حقوق بین‌الملل محیط زیست، میزان کارآمدی این تعهدات مورد ارزیابی قرار گیرد. روش گردآوری داده‌ها در این پژوهش کتابخانه‌ای و اسنادی است. بدین منظور، منابع حقوقی اولیه شامل معاهدات بین‌المللی مرتبط با حفاظت از تالاب‌ها، به‌ویژه کنوانسیون رامسر ۱۹۷۱، اسناد تفسیری، قطعنامه‌ها و توصیه‌نامه‌های کنفرانس دولت‌های عضو، گزارش‌های رسمی دبیرخانه کنوانسیون و سایر اسناد بین‌المللی مرتبط مورد بررسی قرار گرفته است. افزون بر این، از منابع حقوقی ثانویه شامل کتب، مقالات علمی، پایان‌نامه‌ها و گزارش‌های تحلیلی منتشرشده در حوزه حقوق بین‌الملل محیط زیست و حقوق تالاب‌ها استفاده شده است. در بخش تحلیل داده‌ها، از روش تحلیل حقوقی و استدلال منطقی بهره گرفته شده است. بدین صورت که ابتدا مفاهیم کلیدی نظیر «تالاب»، «استفاده عاقلانه»، «رویکرد اکوسیستم‌محور» و «توسعه پایدار» تبیین شده و سپس تعهدات دولت‌ها در چارچوب کنوانسیون رامسر از حیث ماهیت حقوقی، میزان الزام‌آوری و سازوکارهای اجرایی مورد ارزیابی انتقادی قرار گرفته است. همچنین، برای سنجش کارآمدی عملی این تعهدات، از تحلیل اسناد نظارتی، گزارش‌های ادواری دولت‌ها و نمونه‌هایی از رویه‌ها و تجربیات اجرایی در سطح ملی و بین‌المللی استفاده شده است. در نهایت، با رویکردی تطبیقی و تحلیلی، تعامل کنوانسیون رامسر با سایر اصول و اسناد حقوق بین‌الملل محیط زیست مورد توجه قرار گرفته و تلاش شده است نقاط قوت، کاستی‌ها و چالش‌های پیش‌روی رژیم حقوقی حفاظت از تالاب‌ها شناسایی شود. نتایج حاصل از این تحلیل مبنایی برای ارائه جمع‌بندی نهایی و پیشنهاد راهکارهایی در جهت ارتقای اثربخشی تعهدات دولت‌ها در حفاظت از تالاب‌ها فراهم می‌آورد.

۳- تلاش های ملی و منطقه ای تا قبل از طرح کنوانسیون رامسر ۱۹۷۱

تا پیش از اواسط دهه ۷۰ میلادی، لایروبی و تخریب تالاب‌ها به عنوان رویه‌ای عام در سراسر جهان که به واسطه سیاست-های خاص دولت ها مورد تشویق قرار می‌گرفت پذیرفته شده بود. تالاب‌ها به موجب طرح‌های توسعه‌ای کشاورزی، مسکونی و تجاری تغییر می‌یافتند. برخی از کشورها مانند نیوزلند، ایالت‌های کالیفرنیا و اوهایو در آمریکا گزارش دادند که قریب به ۹۰ درصد از تالاب‌هایشان دچار آسیب گردیده‌اند. در نتیجه اقدامات مشترک شکارچیان و ماهی‌گیران، زیست شناسان و مهندسان، حقوق‌دانان و حافظان طبیعت بود که این امر آشکار گردید که تالاب‌ها به این دلیل که منبع ارزشمندی برای محیط زیست جهانی قلمداد می-گردند، آسیب به آن‌ها نتایج زیان بار اقتصادی و اکوسیستمی برای مردم و محیط زیست جهانی را موجب خواهد گردید. باید اشاره کرد، تغییر نگرش صورت گرفته در این مقطع، موجب بکارگیری اقدامات، طرح‌ها و برنامه‌های حفاظتی از اکوسیستم تالاب‌ها در سطح داخلی کشورها و همچنین در سطح منطقه‌ای گردید (جعفری و همکاران، ۱۳۹۸).

در واقع باید گفت اولین و ابتدایی‌ترین اقدامات حقوقی به منظور حفاظت از اکوسیستم تالاب‌ها تا پیش از طرح جدی موضوع در سطح جهانی و تصویب کنوانسیون بین المللی رامسر در سال ۱۹۷۱، مانند اقدامات حفاظتی از سایر مناطق زیست محیطی در چارچوب نظام‌های داخلی و منطقه‌ای اتخاذ گردید و متعاقب آن در سطح بین المللی و جهانی ادامه یافت. چه بسا که منافع حاصله در حفاظت از تالاب‌ها که ابتدا در ایالات متحده آمریکا به سال ۱۹۷۰ رونق یافته بود، موجب ادامه این روند در سطح جهانی گردید. البته باید اذعان داشت پیش از تصویب کنوانسیون رامسر در ۱۹۷۱، اقدام بین المللی به منظور حفاظت از تالاب‌ها در سال ۱۹۶۰ آغاز شده بود. زمانی که اتحادیه جهانی حفاظت از طبیعت برای حفاظت و مدیریت تالاب‌ها پروژه‌ای تحت عنوان MAR تعریف کرده بود. بر اساس این پروژه، یک کنفرانس بین المللی در نوامبر ۱۹۶۲ تشکیل گردید. نمایندگان حاضر در این کنفرانس قطعنامه‌های متعددی را تصویب کردند که از جمله آن‌ها توصیه نامه IX بود که بر اساس آن فهرستی از تالاب‌های با اهمیت بین‌المللی فراهم گردید. این توصیه نامه با ذکر تالاب‌های با اهمیت بین المللی، ضرورت انعقاد کنوانسیونی بین المللی راجع به تالاب‌ها را نشان داد. بعد از هشت سال از این کنفرانس، نشست‌های فنی و مذاکرات پشت پرده، یک متن کنوانسیون بر اساس شرایط سیاسی زمان حاظر پذیرفته شد. این پیش‌نویس به عنوان مبنایی برای مذاکرات در کنفرانس بین المللی راجع به تالاب‌ها و پرندگان آبی در رامسر ایران قرار گرفت (رکن الدین افتخاری، ۱۳۹۵).

۴- تصویب کنوانسیون رامسر یا کنوانسیون رامسر برای تالاب‌ها

به طور کلی اقدامات حقوقی حفاظتی تالاب‌ها در سطح داخلی و منطقه‌ای از یک طرف و افزایش آسیب‌هایی صورت گرفته علیه تالاب‌ها و متعاقب آن در معرض خطر انداختن محیط زیست جهانی از طرف دیگر باعث شکل‌گیری رویکردی واحد و منسجم در سطح جهانی و میان دولت ها به منظور حصول توافقی جهانی در جهت فراهم آوردن تعهدات بین المللی حفاظتی از تالاب‌ها گردید. لذا به دلیل وابستگی متقابل اجزای محیط زیست و کارکردها و نقش‌های متعدد تالاب‌ها برای محیط زیست جهانی ضرورت حصول یک درک و برداشت مشترک راجع به سیستم (حفاظت، مدیریت، احیا) تالاب‌ها وجود دارد که این امر از طریق همکاری میان اعضای جامعه بین المللی امکان پذیر است.

۴-۱- چگونگی تشکیل کنوانسیون رامسر

کنوانسیون رامسر که در فوریه ۱۹۷۱ در رامسر ایران منعقد گردید نه تنها معاهده‌ای به منظور حفاظت از مناطق تالابی بود، بلکه نخستین معاهده مدرن بین المللی جهانی جهت حفاظت و استفاده پایدار از منابع طبیعی است که تا کنون ۱۶۸ کشور از جمله ایران بدان ملحق شده‌اند. محل دبیرخانه این کنوانسیون گلاند سوییس و مرجع نگهدارنده اسناد، سازمان جهانی یونسکو است و اجلاس‌های آن موسوم به «کنفرانس کشورهای عضو» هر سه سال یکبار درباره موضوعات، خط مشی و ارائه گزارش فعالیت‌های سه سال گذشته در خصوص حفاظت از تالاب‌ها برگزار می‌گردد. کنوانسیون رامسر اولین معاهده مهم چند جانبه زیست محیطی محسوب می‌شود که بر مبنای آن جامعه بین المللی همکاری وسیعی در زمینه محیط زیست، بویژه تالاب‌ها را شروع نمود و به عبارتی می‌توان گفت، این کنوانسیون معاهده‌ای است که به شناسایی تالاب‌ها به عنوان یکی از سازنده‌ترین منابع حمایتی بوم‌شناسیکی بر روی زمین عمل کرده است. راجع به فرآیند و چگونگی شکل‌گیری این معاهده باید اشاره کرد که در سال ۱۹۶۲ یک پروژه مشترک موسوم به MAR توسط چندین سازمان بین المللی غیر دولتی برای حفاظت از تالاب‌های مهم بین المللی به عنوان زیستگاه پرندگان مهاجر در اروپا و آفریقای شمالی آغاز شد. امکان انعقاد یک کنوانسیون بین‌المللی درباره حفاظت از تالاب‌ها اولین بار در همان سال مطرح گردید. مذاکرات نزدیک به ۹ سال به درازا کشید که نهایتا در تاریخ ۲ فوریه ۱۹۷۱ به امضای معاهده منجر شد. دهه ۷۰ میلادی آغاز دوره و مقطعی بود که محیط زیست و چالش‌های آن به عنوان یکی از دغدغه‌ها و نگرانی‌های جهانی پذیرفته شد. لذا تصویب کنوانسیون رامسر در این برهه زمانی، آغاز دوره‌ای نوین در جهت اقدام بین المللی به منظور

حفاظت از محیط زیست به شمار می‌رود. حقوق بین‌الملل محیط زیست از این تاریخ فرآیندی رو به رشد را طی کرد و از اصول عام و کلی حقوق بین‌الملل محیط زیست گرفته تا انعقاد کنوانسیون‌ها و معاهدات پیرامون حفاظت از محیط زیست جهانی در این رشد و تکوین نقشی منحصر به فردی را بر عهده داشتند. در واقع صدها موافقتنامه زیست محیطی کوچک و بزرگ در سطوح منطقه‌ای و بین المللی به خصوص طی چهار دهه گذشته تحت عنوان حقوق بین‌الملل محیط زیست شکل گرفت (روحانی‌رانکوهی و باقرزاده‌کریمی، ۱۳۸۶، ص. ۷۱). لذا حفاظت از اکوسیستم تالابی در سطح بین المللی بعد از کنوانسیون رامسر به نحو مستقیم و غیر مستقیم هم در چارچوب حقوق نرم و هم حقوق سخت پیشرفت‌های مثبت و سازنده‌ایی را داشته است. همچنین باید اشاره داشت در چارچوب کنوانسیون رامسر بواسطه نشست‌های سالیانه و گزارش‌های تخصصی و فنی سال‌های اخیر به فراخور اقتضائات زمانی، نرم سازی و اقدامات کاربردی مفیدی صورت گرفته است (دبیری، پیشین، ص. ۲۱۹). همانطور که گفته شد، تالاب‌ها از لحاظ اکوسیستمی بسیار آسیب پذیرند و طی قرن‌ها استفاده و بهره مندی انسانی از تالاب‌ها بدون در نظر گرفتن ملاحظات و نتایج احتمالی زیست محیطی صورت گرفته است.

تالاب‌ها از لحاظ بین المللی می‌توانند دارای دو اهمیت باشند: ۱. زمانی که تالاب به عنوان زیستگاه پرندگان آبی مهاجر استفاده می‌گردد. ۲. زمانی که تالاب در محدوده و قلمرو دو یا چند کشور قرار گرفته باشد.

اگرچه در سطح بین المللی تلاش‌های اندکی به منظور حفاظت از تالاب‌ها صورت گرفته است اما کنوانسیون رامسر معیار و میزانی به منظور آگاهی از ارزش‌های متکثر تالاب‌ها و همچنین نقطه آغازینی برای کاهش تخریب تالاب‌ها بواسطه همکاری بین المللی است.

از منظر بین المللی مهم‌ترین عنصر مرتبط با تالاب‌ها، نقش آن به عنوان زیستگاه پرندگان مهاجر به ویژه پرندگان آبی است. حفاظت از این منابع حیات وحش، هدف اصلی و اولیه کنوانسیون رامسر است. کنوانسیون رامسر به منظور حمایت از پرندگان آبی و زیستگاه‌های آن‌ها منعقد گردید. پرندگان آبی و مهاجر به مکان‌هایی برای زاد و ولد و آشیانه سازی نیاز دارند و تالاب مناطقی هستند که به طور معمول این پرندگان در آن سکنی می‌گزینند. روند افزایشی تخریب و نابودی تالاب‌ها منجر به انعقاد کنوانسیون رامسر به منظور حفاظت از پرندگان آبی، پرنده‌های مهاجر و زیستگاه‌های آنان گردید. کنوانسیون رامسر مکانیسم اولیه و ابتدایی در جهت همکاری بین المللی به منظور حفاظت از تالاب‌ها به شمار می‌رود. این کنوانسیون تنها کنوانسیونی است که به حفاظت از نوع خاصی از اکوسیستم‌ها و همچنین گونه‌های وابسطه به آن می‌پردازد. متاسفانه، این اکوسیستم‌ها به واسطه فعالیت‌های انسانی همچون لایروبی، تغییر کاربری زمین، آلودگی و بهره برداری نادرست از گونه‌های وابسته به تالاب‌ها در معرض تهدید قرار دارند. کنوانسیون رامسر با هدف مقابله مستقیم با عوامل تهدید کننده و تخریب کننده تالاب‌ها در سطح جهانی تهیه و تدوین گردیده است. کنوانسیون به این دلیل که نگرانی اولیه‌اش به طور انحصاری حفاظت از زیستگاه‌هاست، موافقتنامه‌ای منحصر به فرد به شمار می‌رود. رویکرد حفاظتی کنوانسیون نیز بر یک منوال ویژه و خاص قرار دارد (شجاعی و شمسایی، ۱۳۹۳). کنوانسیون رامسر معاهده‌ایی بین الدولی به شمار می‌رود که در ۲ فوریه ۱۹۷۱ در رامسر ایران منعقد گردید. این کنوانسیون نخستین معاهده مدرن جهانی بین الدولی راجع به حفاظت و استفاده پایدار از منابع طبیعی می‌باشد که در قیاس با سایر معاهدات زیست محیطی امروزی مقررات آن به نسبت از کلیت و وضوح برخوردار است. با گذر زمان فعالیت‌های کنفرانس و نشست‌های دولت های متعاهد توسعه و بسط یافته و تفاسیر مطلوبی را از اصول اساسی معاهده به جا آورده شده است و این امر موجب گردیده کنوانسیون کارآیی خود را با وجود تغییرات در شرایط و مقتضیات زیست محیطی حفظ نماید. کنوانسیون رامسر در سال ۱۹۷۵ لازم الاجرا گردید و در حال حاضر ۱۶۹ عضو از دولت های سرتاسر جهان را در خود داراست. اگرچه هدف مرکزی کنوانسیون رامسر ضرورت استفاده پایدار از تمامی تالاب‌هاست، اما هسته مرکزی آن فهرست تالاب‌های با اهمیت بین المللی است.

۴-۲- چرایی الحاق دولت ها به کنوانسیون رامسر

کنوانسیون رامسر راجع به تالاب‌ها، به عنوان ابزاری در جهت توجه بین المللی به زیستگاه‌های تالابی که تا حدودی در نتیجه عدم آگاهی از کارکردها، ارزش‌ها و خدمات موجود در تالاب‌ها رو به نابودی هستند شکل گرفته است. دولت هایی که به این کنوانسیون ملحق می‌گردند به دنبال اجرای تعهداتی هستند که لطمات و ویرانی‌های صورت گرفته در تالاب‌ها را ترمیم دهند. علاوه بر این، بسیاری از تالاب‌ها به دلیل فرامرزی بودن بین دو یا چند کشور از یک سیستم و ساختار بین المللی برخوردارند یا اینکه بخشی از منابع رودخانه‌ایی هستند که در بیش از یک کشور مشترک می‌باشند. تلاش‌ها به منظور حفاظت و مدیریت این مناطق آبی بدون وجود یک چارچوب به منظور همکاری و تبادل افکار بین المللی که در بردارنده منافع متقابل باشد، امکان پذیر نمی‌باشد. تأثیرات انسانی بر منابع آبی، همچون فعالیت‌های کشاورزی، آلودگی‌های صنعتی یا محلی ممکن است در مسافت‌های قابل ملاحظه‌ایی از مناطق تالابی که اغلب آن سوی مرزهای دولت های تحت تاثیر قرار گرفته می‌باشد، صورت می‌گیرد. در چنین مواردی، زیستگاه‌های تالابی ممکن است کارکردهای خود را از دست داده و حتی از بین روند و همچنین سلامتی و امرار معاش

مردمان محلی را در معرض خطر قرار دهند. بسیاری از جانوران تالابی همچون گونه‌های متعددی از ماهی‌ها، بسیاری از پرندگان آبی و حشرات، گونه‌هایی مهاجر به شمار می‌روند که بنابراین حفاظت و مدیریت آن‌ها به همکاری بین المللی نیاز دارد.

در مجموع تالاب‌ها، ذخایر و سرمایه‌هایی غنی از منافع اقتصادی، فرهنگی، علمی و ارزش‌های سرگرمی برای حیات انسانی ایجاد می‌نمایند. باید اذعان داشت که تالاب‌ها و انسان‌ها به یکدیگر وابسته‌اند. بدین لحاظ که اقدامات فزاینده آسیب زننده به تالاب‌ها وجود دارد، بایستی اقدامات حفاظتی و استفاده عاقلانه از منابع تالابی اتخاذ گردد. به منظور دستیابی به این هدف در سطح بین المللی اقدامات بین الدولی و همکاری جویانه لازم و ضروری است (بخشی، ۱۴۰۲، ص. ص. ۶۴-۶۶). در این میان کنوانسیون رامسر، چارچوبی را به منظور اقدام در سطح بین المللی، ملی و بومی فراهم می‌نماید.

۴-۳- اهداف انعقاد کنوانسیون رامسر

کنوانسیون رامسر به عنوان موافقت نامه‌ایی که چارچوبی را به منظور همکاری بین المللی در جهت حفاظت از تالاب‌ها فراهم می‌نماید، مهم‌ترین هدف خود را جلوگیری از خسارت و تضمین حفاظت از تالاب‌ها قرار داده است. هدف از انعقاد کنوانسیون رامسر ۱۹۷۱ جلوگیری از نابودی تالاب‌ها و ارتقاء حفاظت از آنها و استفاده عاقلانه از آن‌ها به عنوان ابزاری برای دستیابی به توسعه پایدار است. در سال ۱۹۹۹ و ۲۰۰۰ ماموریت کنوانسیون رامسر به طور ویژه «حفاظت و استفاده عاقلانه همه تالاب‌ها از طریق اقدامات محلی، منطقه‌ای و بین المللی در دستیابی به توسعه پایدار در سرتاسر جهان» مشخص شده است. هدف مذکور مبتنی بر سیر تحول و توسعه حقوق بین‌الملل محیط زیست می‌باشد، به عبارتی دیگر حفاظت و استفاده عاقلانه از تالاب‌ها به عنوان بخشی از محیط زیست جهانی تنها در سایه اقدامات موثر در کلیه سطوح اعم از محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی میسر می‌باشد.

۴-۴- نتایج و آثار پیوستن دولت ها به کنوانسیون رامسر

عضویت دولت ها در کنوانسیون رامسر در بر دارنده تبعات و نتایج مثبت و مطلوبی برای کشورها است که در ذیل مواردی از آن مورد اشاره قرار می‌گیرد:

۱) عضویت دولت ها در کنوانسیون رامسر، مستلزم پذیرش تعهدات نسبت به اصولی می‌گردد که کنوانسیون آن‌ها را در نظر گرفته است. این اصول توسعه سیاستگزاری‌ها و اقدامات در سطح ملی را تسهیل می‌نماید که این امر به استفاده مطلوب از منابع تالابی در جهت توسعه پایدار کمک می‌کند.

۲) برای دولت ها فرصت و مجالی فراهم می‌نماید که نظرات و دیدگاه‌هایشان راجع به حفاظت و استفاده عاقلانه از تالاب‌ها را در سطح بین المللی مطرح نمایند.

۳) موجبات افزایش اعتبار و شهرت تالاب‌هایی می‌گردد که در فهرست تالاب‌های با اهمیت بین المللی رامسر به ثبت رسیده‌اند. این امر امکان میزان حفاظت و استفاده عاقلانه از تالاب‌ها را افزایش می‌دهد.

۴) موجبات دسترسی به آخرین اطلاعات و توصیه‌ها راجع به اتخاذ و بکارگیری استانداردهای پذیرفته شده بین المللی کنوانسیون را فراهم می‌نماید که از جمله شامل معیار برای شناسایی تالاب‌های با اهمیت بین المللی، توصیه‌هایی راجع به چگونگی اعمال و اجرای مفهوم استفاده عاقلانه و دستورالعمل‌هایی راجع به طرح‌های مدیریتی تالاب‌ها می‌باشد.

۵) ارتقای همکاری بین‌المللی راجع به معضلات و مشکلات تالاب‌ها و فراهم کردن شرایطی به منظور حمایت از پروژه‌های مربوط به تالاب‌ها، چه به واسطه برنامه‌های کمک مالی در چارچوب کنوانسیون و چه از طریق تماس و ارتباط کنوانسیون با سایر نهادهای حمایتی چند جانبه یا دو جانبه خارجی (بیرونی).

۶) بر اساس گزارش‌های ملی ارائه شده توسط دولت های عضو کنوانسیون، کنوانسیون به طور مستمر ابزاری در جهت مقابله یا توقف توسعه و پیشرفت‌های منفی و نامطلوب موثر بر تالاب‌ها بوده است. به عنوان مثال زمانی که در دسامبر ۲۰۰۳، دولت انگلستان به دنبال طرح ساخت فرودگاهی جدید را در سایت تالابی کلیف (Cliffe) که بخشی از رودخانه تمز لندن می‌باشد، بود کنوانسیون مانع این امر گردید (روحانی‌رانکوهی، باقرزاده‌کریمی، پیشین، ص‌ص. ۱۱۱-۱۰۸).

۴-۵- تعهدات دولت‌های عضو کنوانسیون رامسر

الف) حفاظت و بهره برداری صحیح از تالاب‌ها به عنوان تعهد اصلی دولت‌ها

مفهوم استفاده عاقلانه و صحیح در متن اصلی کنوانسیون تعریف نشده است. بنابراین، بهره گیری عاقلانه تعهدی مبهم بوده که کنوانسیون در تبیین آن برای دولت های عضو ضعیف عمل کرده است.

اگرچه در اواخر دهه ۱۹۸۰ استفاده عاقلانه نسبت به تمامی تالاب‌ها از جمله آنهایی که در فهرست تالاب‌های با اهمیت بین المللی آمده‌اند موضوعیت یافت. پس از این تاریخ، استفاده عاقلانه از لحاظ مفهومی به دفعات مورد باز تعریف قرار گرفته است. آخرین تعریف صورت گرفته در طی نهمین نشست دولت های عضو در سال ۲۰۰۵ بود.

بر اساس تعریف اتخاذ شده، استفاده عاقلانه از تالاب‌ها حفظ ویژگی‌های اکوسیستمی، بواسطه اعمال و اجرای رویکردهای اکوسیستمی در زمینه توسعه پایدار است. علاوه بر این، در این نشست ویژگی‌های اکوسیستمی را به عنوان تلفیق و ترکیبی از عناصر، فرآیندها و منافع که تالاب‌ها به موجب آن متمایز می‌گردند تعریف می‌نماید.

استفاده عاقلانه و خردمندانه از تالاب‌ها از تعهدات دولت ها در حفاظت از تالاب‌ها بر اساس کنوانسیون است. مفهوم استفاده عاقلانه به عنوان آغاز و مقدمه‌ایی بر نظریه بهره برداری و توسعه پایدار می‌باشد (زاهدی و نجفی، ۱۳۸۵، ص. ۵۱).

لذا بر اساس طرح‌های استراتژیکی اتخاذ شده در ششمین نشست (۱۹۹۶) هشتمین نشست (۲۰۰۲)، و دهمین نشست (۲۰۰۸) دولت های عضو کنوانسیون، "استفاده عاقلانه از تالاب‌ها" مترادف با استفاده پایدار قرار دانسته شده است. یک دولت عضو می‌تواند تعهد به استفاده عاقلانه را به واسطه اتخاذ سیاستگزاری‌ها و قانونگذاری‌های داخلی در ارتباط با تالاب‌ها اجرا نماید که این امر از طریق بکارگیری طرح‌های ابتکاری تالاب‌ها، نظارت و کنترل، تحقیقات، آموزش و همچنین توسعه طرح‌های مراقبتی در سایت‌های خاص داخلی صورت گیرد. مفهوم اسفاده عاقلانه نسبت به تمامی مناطق تالابی دولت های عضو و نه فقط سایت‌های موجود در فهرست تالاب‌های با اهمیت بین المللی اعمال و اجرا می‌گردد (والاس و مارتین ارتگا، ۱۴۰۱، ص. ۱۲۹).

بر اساس ماده ۳، طرف‌ها باید به گونه‌ای برنامه‌ریزی کنند که حفاظت از تالاب‌های مندرج در فهرست و همچنین استفاده عاقلانه از آن‌ها در قلمرو داخلی‌شان را ارتقا دهند. با ثبت یک تالاب به عنوان سایت رامسر در فهرست تالاب‌های با اهمیت بین المللی، تعهد طرف کنوانسیون خاتمه نمی‌یابد. دولت طرف بایستی برنامه‌ریزی‌های لازم را در جهت شناسایی و رفع تهدیدات به عمل آورد. همچنین این برنامه‌ریزی باید دارای دو بعد «حفاظتی» و «استفاده خردمندانه» باشد. حفاظت بدین معناست که بدنه آبی تالاب و گونه‌های گیاهی و جانوری استفاده کننده از تالاب که در حوزه آبریز قرار دارند از خطرات و تهدیدها مصون باشند به گونه‌ای که بتوانند به حیات و موجودیت خود ادامه دهند.

مفهوم استفاده عاقلانه به عنوان "بهره برداری پایدار از تالاب‌ها به منظور نفع رسانی به انسان‌ها در یک روش مناسب با حفظ ویژگی‌های طبیعی اکوسیستم" ابتدا در سومین نشست از کنفرانس دولت های عضو در رجینای کانادا به سال ۱۹۸۷ مطرح گردید. کنفرانس اشاره داشت که "استفاده پایدار در بردارنده استفاده انسان‌ها از تالاب به نحوی است که نیازهای آتی بشر را مورد توجه قرار دهد." کنفرانس، ویژگی‌های طبیعی تالاب‌ها را به عنوان عناصر فیزیکی، بیولوژیکی یا شیمیایی و همچنین فعل و انفعال میان خاک، آب، گیاهان، جانوران و مواد مغذی شرح می‌دهد. ضرورتاً، مفهوم استفاده عاقلانه مصادیقی را فراهم می‌نماید که می‌تواند حاصلخیزی طبیعی و تنوع زیستی در یک سایت را تا زمانی که کارکردهای اکوسیستمی تالاب از بین نرفته است را مورد بهره برداری قرار گیرد. اما چنانچه تجربه نشان می‌دهد دیدگاه حفاظتی محض به دلیل هزینه ساز بودن آن، مورد استقبال عموم و مسئولین دولت ها قرار نمی‌گیرد. به طور کلی عدم بهره برداری و جلوگیری از برخورداری مردم از منافع اقتصادی منابع طبیعی، انگیزه‌های لازم در جهت حفاظت را از بین می‌برد و این خود عاملی مخرب و نابود کننده برای موضوع مورد بحث در این بخش یعنی تالاب است. از این رو بهره برداری خردمندانه به نحوی که چرخه و تعادل طبیعت بهم نخورد و نابودی منابع آبی و انواع گونه‌ها را در برنداشته باشد، به عنوان راه حلی قابل قبول برای اقدام عرضه گردیده است. در این روش انگیزه لازم برای جلوگیری از استفاده بی رویه از منابع طبیعی توسط مردم بومیو دولت ها به صورتی که منجر به تخریب این منابع نگردد و جهت بهره برداری در آینده به وجود می‌آید. البته باید توجه داشت که دو روش «حفاظتی» و «بهره برداری خردمندانه» مکمل و نه جایگزین یکدیگرند و در هر کشوری متناسب با شرایط آب و هوایی، میزان شکنندگی اکوسیستم‌ها و نوع نیاز در نظر گرفته می‌شوند. باید اذعان داشت که، مفهوم استفاده عاقلانه از تالاب‌ها حفاظت از ارزش‌ها و کارکردهای تالاب‌ها را با بهره برداری پایدار تلفیق و ترکیب می‌نماید. این مفهوم همچنین ضرورت ارزیابی اکوسیستمی را به عنوان یکی از نتایج اصل استفاده عاقلانه ابراز می‌دارد (طاهری و بای، ۱۳۹۷).

ب) تحقق مبانی اصل توسعه پایدار

کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه در سال ۱۹۹۰ میلادی در گزارش نهایی خود در خصوص بررسی موضوع حفاظت از محیط زیست و توسعه اقتصادی، توسعه پایدار را چنین تعریف می‌کند: «توسعه پایدار، توسعه‌ای است که نیازهای نسل‌های حاضر را بدون آسیب رساندن به توانایی نسل‌های آینده در تأمین نیازهای خود برآورده سازد». این اصل به معنای امروزی خود، برای اولین بار در اعلامیه ۱۹۷۲ استکهلم مطرح شد و از آن پس، سیر تحول و تکامل خود را طی کرد تا آن که می‌توان این اصل را به وضوح در اعلامیه ۱۹۹۲ ریو مشاهده کرد. اصل ۳ منصفانه، نیازهای توسعه و نیازهای زیست محیطی نسل‌های حاضر و آینده تأمین شود». همچنین اعلامیه مزبور در اصل ۴ خود بیان می‌دارد که به منظور دستیابی به توسعه پایدار، حمایت از محیط زیست، جزء جدایی ناپذیر فرآیند توسعه است و نباید به طور مجزا از آن در نظر گرفته شود» (طلایی، ۱۳۸۳، ص. ۳۰).

ج) ارزیابی اثرات زیست محیطی به عنوان راهکار قانونی بین المللی و ملی

یکی از اجزای اصلی استفاده معقول، ارزیابی‌های زیست محیطی است. ارزیابی زیست محیطی به عنوان راهکار قانونی بین المللی و ملی، عبارت از ارزیابی تمام آثار احتمالی پروژه‌های توسعه‌ای بر محیط زیست و ارائه راهکارهایی برای کاهش آن آثار است (نیل[1]، ۲۰۰۸، ص. ۴۲). اگرچه کنوانسیون رامسر به خودی خود، تعهد به اجرای ارزیابی زیست محیطی را مقرر نمی‌دارد، رهنمودهای کنوانسیون چندین توصیه ارائه کرده است که ارزیابی‌های زیست محیطی را در مراحل طراحی پروژه و اجرای آن لازم می‌داند. در حقوق بین‌الملل، این اسناد و توصیه نامه‌ها و قطعنامه‌های کنفرانس اعضای رامسر را حقوق نرم نامیده‌اند. توصیه نامه ششمین کنفرانس اعضای رامسر از جمله شامل این موارد است که از اعضا درخواست می‌کند تا در اجرای طرح‌های توسعه‌ای خود، ارزیابی آثار زیست محیطی این پروژه‌ها را در نظر بگیرند.

د) توسعه و اجرای دستورالعمل‌های طرح های مدیریتی

به منظور دستیابی به استفاده پایدار و عاقلانه از تالاب‌ها و همچنین حفظ خدمات اکوسیستمی آن‌ها و درنهایت پایداری این قلمرو آبی توسعه و اجرای دستورالعمل‌های طرح‌های مدیریتی لازم و ضروری است. باید اذعان داشت از آنجا که تالاب‌ها مناطقی پویا و متغییر به شمار می‌روند و پیوسته از عوامل انسانی و طبیعی تاثیر می‌پذیرند، به منظور حفظ کارکردها و ارزش‌های تالاب‌ها ضرورت وجود توافقی میان گروهی از مدیران، مالکان، ساکنان و سایر ذینفعان وجود دارد. دستورالعمل‌های طرح‌های مدیریتی مکانیسمی به منظور دستیابی به توافق را فراهم می‌آورد. بر اساس ضرورت گفته شده، در پنجمین نشست دولت های عضو کنوانسیون رامسر (۱۹۹۳) «دستورالعمل‌های راجع به طرح مدیریتی برای سایت‌های رامسر و سایر تالاب‌ها» ازجمله مدیریت سایت تالابی، شناسایی عوامل موثر و زمینه ساز احتمالی بر ویژگی‌های اکوسیستمی، شناسایی و توصیف الزامات مدیریتی به منظور دستیابی به اهداف، تبیین و شناسایی شرایط نظارت و کنترل، حل تضادها و تعارضات، حفظ استمرار مدیریت موثر، حصول منابع مالی طرح مدیریتی، فراهم سازی ارتباط بین و در محدوده سایت‌های تالابی، سازمان‌ها و ذینفعان ، اثبات موثر و کافی بودن مدیریت و تضمین انطباق و هماهنگی با سایت‌های بومی، ملی و بین المللی به عنوان ضمیمه‌ای بر قطعنامه ۵,۷ اتخاذ گردید (قتالی‌خمیری، ۱۳۹۸).

ه) ارتقا سطح توسعه همکاری‌های بین المللی بویژه در سطح منطقه‌ای

ماده ۵ کنوانسیون رامسر بیان می‌دارد: «طرف‌های متعاهد باید در خصوص اجرای تعهدات ناشی از کنوانسیون، به ویژه در مورد تالاب‌هایی که در مرز دو کشور یا دارای رژیم آبی مشترک هستند، با یکدیگر همکاری و مشورت کنند. همچنین به طور همزمان، آنها موظف‌اند در خصوص هماهنگی و حمایت از سیاست‌ها و مقررات حاضر و آتی خود در ارتباط با حفاظت از تالاب‌ها و نباتات و حیوانات آنها، تلاش‌های لازم را انجام دهند».

در تفسیر ماده ۵ کنوانسیون باید گفت: منظور از تعهدات ناشی از کنوانسیون، کلیه تعهداتی است که از متن کنوانسیون ناشی می‌شود و تنها به مواردی که در بند ۶ ماده ۲ کنوانسیون (حفظ و حراست و مراقبت و بهره برداری صحیح از پرندگان آبزی مهاجر)، بند ۱ ماده ۳ (تنظیم نقشه‌های اصلاحی تالاب‌های فهرست کنوانسیون رامسر جهت تسهیل حفظ، حراست و بهره برداری معقول از تالاب‌ها)، بند ۳ ماده ۴ (تشویق به تحقیق، مبادله اطلاعات و نشریات) و بند ۵ ماده ۴ (تربیت نیروهای کارآمد) آمده است محدود نمی‌شود. منظور از تالاب‌هایی که در مرز دو کشور قرار گرفته‌اند تالاب‌هایی است که از مرزهای بین المللی عبور کرده‌اند، چه جزء تالاب‌های مهم بین المللی باشند، چه نباشند. این تفسیر، مطابق با بند ۱ ماده ۳ است. مقصود از تلاش برای ایجاد هماهنگی و حمایت از سیاست‌ها و مقررات حاضر و آتی، تلاش برای ایجاد همکاری میان اعضای متعاهد در زمینه‌هایی از جمله حفاظت از

13. Neyl

گونه‌های وابسته به تالاب‌های مشترک، کمک‌های دو جانبه و چند جانبه، تجارت فراورده‌های گیاهی و جانوری تالابی و اقدامات در خصوص سرمایه‌گذاری خارجی است (پریچارد[14]، ۲۰۱۰، ص. ۱۰).

۵- ثبت تالاب‌های با اهمیت بین المللی

بر اساس ماده ۲ کنوانسیون، هر دولتی در موقع امضای کنوانسیون بایستی حداقل یک تالاب بین المللی را به عنوان سایت رامسر معرفی نماید. اگرچه پیوستن به کنوانسیون رامسر این تعهد را برای دولت متعاهد ایجاد می‌کند که حداقل یک سایت تالابی را برای وارد کردن در فهرست تالاب‌های با اهمیت بین المللی وارد نماید، اما باید گفت اکثریت موارد ثبت صورت گرفته اختیاری بوده است. بنابراین یک دولت متعاهد می‌تواند یک تالاب یا بیش از یک تالاب را در فهرست ثبت نماید. به منظور وارد کردن یک تالاب در فهرست تالاب‌های با اهمیت بین المللی، دولت متعاهد می‌بایست درخواست تکمیل اطلاعات مربوط به سایت مورد نظر را در برگه اطلاعات تالاب را از دبیرخانه کنوانسیون نماید. بعد از بررسی درخواست، دبیرخانه کنوانسیون یک سایت واجد شرایط را به فهرست تالاب‌های با اهمیت بین المللی وارد خواهد نمود. دولتی که یک سایت را در فهرست مذکور به ثبت رسانده است، متعهد به ارتقا و بهبود حفاظت از سایت به ثبت رسیده می‌گردد. کنوانسیون رامسر این الزام را ایجاد نمی‌نماید که در سایت‌های به ثبت رسیده برای فعالیت‌های انسانی محدودیت ایجاد گردد. در واقع، کنوانسیون به صراحت عدم وابستگی انسان و تالاب و خدمات اکوسیستمی که از جانب تالاب‌ها ارائه می‌گردد را مورد شناسایی قرار می‌دهد.

باید اذعان داشت، وارد نمودن یک سایت در فهرست تالاب‌های با اهمیت بین المللی بر حقوق مربوط به حاکمیت انحصاری دولت های متعاهد که قلمرو تالابی را در فهرست قرار داده‌اند خدشه‌ایی وارد نمی‌نماید. راجع به تعهد مذکور باید گفت که کنوانسیون رامسر پیشنهاد می‌دهد که یک تالاب ممکن است بر اساس ضابطه «مهم بین المللی» در فهرست وارد گردد. به این معنا که تالاب باید بویژه نمونه خوبی از تالاب طبیعی یا تقریبا طبیعی بوده یا تالابی باشد که نقش آب شناسی، زیستی یا بوم‌شناسیکی مهمی در کارکرد طبیعی یک حوزه آبریز اصلی یا نظام ساحلی ایفا کرده و یا از همزیستی قابل ارزیابی گونه‌های جانوری و گیاهی کمیاب، آسیب پذیر یا در معرض انقراض پشتیبانی کند. بر اساس تفاسیر اخیر، یک تالاب ممکن است در آستانه اهمیت باشد به شرط اینکه ۹ معیار برای آن تحقق یافته باشد؛ برای مثال یک سایت می‌تواند صلاحیت قرارگیری در فهرست تالاب‌های با اهمیت بین المللی دارا شود به شرط اینکه تالابی منحصر به فرد و نادر باشد یا اینکه از یک تنوع زیستی بالایی برخوردار باشد (گوندلینگ و همکاران، ۱۳۹۵).

همین که یک سایت در فهرست تالاب‌های با اهمیت بین المللی ثبت می‌گردد، در ادامه سایر تعهدات پدیدار می‌گردد. اگر ویژگی اکوسیستمی یک سایت معرفی شده به فهرست تالاب‌های با اهمیت بین المللی تغییر یافته یا در حال تغییر باشد یا این احتمال وجود داشته باشد که در نتیجه آلودگی یا مداخلات انسانی تغییر یابد، دولت عضو باید دبیرخانه کنوانسیون را از این امر آگاه سازد. علاوه بر این، اگر یکی از دولت‌های عضو سایت معرفی کرده به لیست تالاب‌های با اهمیت بین المللی را از لیست خارج نماید یا تعداد آن‌ها را کاهش دهد، کنوانسیون مقرر داشته است که آن دولت باید از طریق معرفی یک سایت جدید جدید اقدام خود را جبران نماید. همچنین دولت عضو باید تضمین نماید که هر شش سال یکبار برگه اطلاعات تالاب (RIS) را به روز می‌نماید.

باید اشاره داشت که ثبت مناطق تالابی واجد شرایط در فهرست تالاب‌های با اهمیت بین المللی کنوانسیون رامسر، در بردارنده منافع و ارزش‌هایی در جهت حفاظت و مدیریت پایدارتر آن مناطق تالابی می‌باشد که از جمله موجبات افزایش حمایت از حفاظت و مدیریت سایت‌های معرفی شده، افزایش مطالعات علمی، افزایش فرصت‌های مالی، افزایش توریسم و کاهش فقر می‌گردد (والاس و مارتین ارتگا، ص. ص. ۱۴۲-۱۴۵).

۶- تحلیل انتقادی عملکرد نظارتی کنوانسیون رامسر در راستای حفاظت از تالاب ها

اگرچه کنوانسیون رامسر و توصیه نامه‌ها و قطعنامه‌های کنفرانس دولت های عضو از توجه و مورد لحاظ قرار دادن طرح‌های بازسازی و احیا حمایت به عمل می‌آورند، اما در هیچ یک از این اسناد به طور قانونی دولت‌ها را به اجرای چنین پروژه‌های متعهد ننموده‌اند. در اسناد مذکور از واژگان غیر تعهد آوری همچون پیگیری، تشویق و ترغیب استفاده شده است.

با این وجود، کنوانسیون رامسر به عنوان ابتکار و اقدامی در جهت احیا و بازسازی مناطق تالابی در روش‌های متعدد در نظر گرفته می‌شود. اول اینکه دولت ها به اجرای پروژه‌های بازسازی و احیا مناطق تالابی به عنوان بخشی از تعهد آن‌ها به استفاده عاقلانه از تالاب مبادرت می‌نمایند. دوم، طرح‌های استراتژیکی کنوانسیون رامسر منجر به بسط و توسعه اجرای پروژه‌های بازسازی و احیا گردیده است. نقش دبیرخانه کنوانسیون رامسر در ابتکارات و اقدامات تالاب‌های مدیترانه‌ای واضح و آشکار است. ابتکارات

14. Pritchard

مذکور، طرح استراتژیکی منطقه‌ای ده ساله‌ای را با هدف متوقف کردن و بازگرداندن تالاب‌های مدیترانه‌ای تخریب شده و آسیب دیده را طرح کرده و پیشنهاد می‌دهد. اقدامات بازسازی و احیا بخش مهمی از حصول و دستیابی به اهداف مذکور می‌باشد. کنوانسیون رامسر همچنین تسهیلات مالی را به منظور بازسازی و احیای تالاب‌ها از طریق صندوق هدایای کوچک مقرر می‌دارد.

در نهایت باید گفت اگرچه کنوانسیون رامسر به طور ذاتی بر مناطق تالابی تمرکز دارد و (آن هم تالاب‌ها به عنوان زیستگاه پرندگان آبی)، اما در حال حاضر به دلیل در بر گرفتن دو مفهوم بنیادین از قلمرو گسترده‌ایی برخوردار است (طلایی و دریادل، ۱۳۹۴).

اول اینکه: با در نظر گرفتن لیست تالاب‌های با اهمیت بین‌المللی در کنوانسیون دولت‌ها همواره این تعهد را دارند که شاخصه‌های اکوسیستمی تالاب‌ها را حفظ نمایند و دوم اینکه: کنوانسیون تعهد استفاده عاقلانه از تمامی تالاب‌ها را ارتقا داده است. استفاده عاقلانه از تالاب‌ها اغلب اوقات با استفاده پایدار مترادف گرفته شده است که نسبت به تمامی سایت‌های دولت های عضو اعمال و اجرا می‌گردد. به همین دلیل برخی از نظریه پردازان این کنوانسیون را موافقتنامه‌ایی متکامل و پویا به شمار می‌آورند. سابق بر این، تأکید صرف بر فهرست تالاب‌ها بود، اما در حال حاضر مفهوم گسترده استفاده عاقلانه به طور فزاینده‌ایی اهمیت یافته است، این تشخیص داده شد که صرف فهرست تالاب‌ها نمی‌تواند در حفاظت از تالاب‌ها مفید واقع شود، بلکه حفاظت یکپارچه و استفاده عاقلانه از تالاب‌ها نسبت به بهره برداری‌های داخلی و همچنین خط مشی‌های مدیریت آبی لازم و ضروری است. دولت های عضو با تفاسیر و رویه‌های خود در راستای تغییرات و مقتضیات زمانی حرکت می‌کنند.

کنوانسیون رامسر، صرفاً به عنوان اولین معاهده زیست محیطی بین المللی با هدف انحصاری حمایت از حیات وحش در سطح بین المللی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. در زمان فعلی، متن کنوانسیون بازتابی از کمبود و ضعف‌های رویکرد حقوقی نسبت به معضلات محیط زیستی که مشخصه بارز اوایل دهه ۷۰ میلادی است، می‌باشد. کنوانسیون به طور جامع و واضح به وضعیت قانونی تالاب‌های با اهمیت بین المللی اشاره و تصریحی نداشته و حد و میزان ضروری و لازم از اقدامات یکپارچه دولت‌ها را در حفاظت از تالاب‌ها را مقرر نمی‌نماید. علاوه بر این کنوانسیون شکاف‌های متعددی در شروط شکلی خود داراست.

کنوانسیون رامسر در تلاش است که حق انحصاری دولت‌ها را بر منابع طبیعی خود، با مسئولیت دولت‌ها در قبال حفاظت از محیط زیست و استفاده منطقی هماهنگ نمایند. این مفهوم شالوده و بنیانی را برای حقوق بین‌الملل محیط زیست فراهم می‌نماید. یک سال بعد این مفهوم در اصل ۲۱ اعلامیه استکهلم کما بیش مورد استفاده قرار گرفت (مدنیان، چالش‌های حقوق آب، حقوق بین‌الملل آب، ص. ص. ۹۹-۱۰۱).

باید اذعان داشت که چالش‌های جدید مانند تغییر آب و هوا تحولات و تغییرات در سطوح ملی و بین المللی باعث می‌گردند که متن کنوانسیون رامسر و مصوبات اولیه که دارای شکل سنتی هستند از قابلیت کافی برای هدایت و مقابله با چالش‌ها و تحولات جدید برخوردار نباشند و این خود عاملی برای ادامه روند تخریب طبیعت و انواع اکوسیستم‌ها می‌شود. طبق گزارش ارزیابی اکوسیستم هزاره علی رغم عمر ۳۵ ساله کنوانسیون تالاب‌ها و عملکرد مثبت و فعالیت‌های مستمر دولت های طرف کنوانسیون و دبیرخانه در گذشته، تخریب تالاب‌ها ادامه داشته و این روند در داخل کشورها و مناطق مرزی و ساحلی با شدتی بیشتر از تخریب سایر اکوسیستم‌ها صورت پذیرفته است. به این روند منفی در گزارش‌های دبیر کل کنوانسیون رامسر در گذشته مکرراً اشاره شده بود.

به منظور ایجاد تحرکی جدید و پیشبرد اهداف کنوانسیون، دولت‌های طرف کنوانسیون طراحی برنامه‌های راهبردی میان مدت پنج ساله را در دستور کار خود قرار دادند. راهبردهایی که ضمن برطرف کردن برخی نواقص قانونی، عناصر لازم برای افزایش پایبندی را نیز در برداشته و به ارتقا حفاظت و بهره برداری خردمندانه از تالاب‌ها منجر گردد. در نشست‌های کنوانسیون رامسر سه برنامه راهبردی برای دوره‌های زمانی ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۲، ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۵ مطرح شده مورد تصویب قرار گرفته است.

برنامه‌های راهبردی کنوانسیون دارای پنج هدف اصلی یعنی استفاده عاقلانه از تالاب‌ها، توسعه فهرست سای‌های رامسر، افزایش همکاری بین المللی، توسعه ظرفیت اجرا و پیوستن به کنوانسیون می‌باشند و در آن‌ها اقداماتی که دبیرخانه کنوانسیون، سازمان‌های بین المللی طرف رامسر و دولت ها بایستی انجام دهند و همچنین نتایج مورد انتظار در خاتمه دوره اجرای برنامه، گنجانده شده است. آخرین برنامه که در حال اجراست دارای ۲۸ راهبرد است که در غالب اهداف اصلی مطرح شده‌اند.

البته با گذر زمان و با افزایش دولت های طرف کنوانسیون افزایش سایت‌های ثبت شده رامسر، وارد شدن تدریجی تشکیلات جهانی محیط زیست به ساز و کارهای مالی حمایت کننده پروژه‌های مربوط به تالاب‌ها، برنامه‌ریزی‌های راهبردی توسط نشست طرف‌ها که در گزارش دبیرکل آمده‌اند مثبت ارزیابی می‌گردند. اما همزمان تعداد زیاد سایت‌های موجود در فهرست مونترو، وجود تعداد بسیار زیادتری از تالاب‌های ثبت نشده در سراسر جهان که باعث می‌شود دولت ها تعهدی برای حفاظت و بهره برداری عاقلانه از تالاب‌ها در قبال جامعه بین المللی احساس ننمایند و ادامه تخریب‌های ناشی از فعالیت‌های توسعه‌ای و عمرانی بشر قابل تامل بوده و جای نگرانی فراوان دارد (امین منصور، ۱۳۹۱، ص. ۴۶۶).

۷- حفاظت از تالاب ها در کنوانسیون تنوع زیستی مصوب ۱۹۹۲

زیستگاه‌های طبیعی، جوامع زیستی و چرخه‌های بوم‌شناسیکی را از یکدیگر بازشناسی می‌کند که در آن‌ها گونه‌های متنوع تکامل یافته و به طور بی نظیری به سازگاری می‌رسند. گونه‌ها برای بقا و تولید مثل به محیط زیست پیرامونشان (دما، رطوبت، آب، خاک و تغذیه) وابسته هستند. اکوسیستم‌ها در برگیرنده روابط پیچیده گونه‌ها و عملکرد اندام آن‌ها بوده و تحت حکومت قواعد طبیعی منتهی به توازن هستند. تنوع اکوسیستم‌ها خود بخش ضروری تنوع زیستی به شمار می‌رود (اقتباس از کنوانسیون تنوع زیستی، کنفرانس محیط زیست و توسعه سازمان ملل، ریودژنیرو برزیل، ۱۹۹۲). همانطور که در بخش ابتدایی پژوهش گفته شد، تالاب‌ها محیط مناسبی را برای حیات گونه‌های متنوع گیاهان و جانوران فراهم می‌کنند. بنابراین کارکرد تنوع زیستی تالاب‌ها از اهمیت به سزایی برخوردار است. برخی از کارشناسان امور زیستی، کاهش تنوع زیستی را به طور عمده به دلیل تغییر و تخریب زیستگاه‌ها می‌دانند. در مقدمه کنوانسیون تنوع زیستی آمده است که شرط اصلی حفظ تنوع زیستی، حفاظت از اکوسیستم‌ها و زیستگاه‌های طبیعی است. تنظیم قواعد بهره برداری و حفاظت از تنوع زیستی بی معنا خواهد بود اگر به تخریب زیستگاه‌ها و قلمروهای زیستی توجه نشود. از این رو در همه معاهدات مربوط به حفاظت از تنوع زیستی به حمایت و مراقبت از زیستگاه‌ها توجه شده است. تنوع زیستی، مجموعه متنوعی از گونه‌های مختلف گیاهی و جانوری است که همچون شبکه‌ایی به هم متصل هستند. کنوانسیون تنوع زیستی در ماده ۲، تنوع زیستی را چنین معنی کرده است: «تنوع زیستی قابلیت تمایز بین ارگانیسم‌های زنده از هر منبع که شامل اکو سیستم‌های زمینی، دریایی و دیگر اکو سیستم‌های آبزی، همچنین شامل ترکیبات بوم‌شناسی که بخشی از اکوسیستم را تشکیل می‌دهند، می‌باشد. این مفهوم شامل تنوع در درون گونه‌ها، بین گونه‌ها و تنوع اکوسیستم می‌باشد». در این میان کنوانسیون تنوع زیستی ۱۹۹۲ در حمایت و حفاظت از تنوع موجود در تالاب‌ها نقش ویژه‌ای را ایفا می‌کند. کنوانسیون تنوع زیستی که به طور مستقیم در مواد ۹ و ۱۰ به حمایت از اکوسیستم می‌پردازد، نشان دهنده رویکرد و نگرش اکوسیستمی این کنوانسیون است. البته کنوانسیون در متن خود، اکوسیستم را به صورت کلی در مقرارات مختلف خود مدنظر قرار داده و جرئیات الزام آوری برای آن معرفی نکرده است. اما رویکرد اکوسیستمی، نخستین بار در چارچوب یک رویکرد نوین برای حمایت از تنوع زیستی، در کنفرانس اعضا در سال ۲۰۰۰ معرفی شد که ابتکار جدیدی است. کنوانسیون تنوع زیستی معاهده‌ایی فراگیر است، زیرا حمایت آن گونه‌های خاص یا زیستگاه‌های معین محدود نمی‌شود، بلکه همه گونه‌های گیاهی و جانوری و همه زیستگاه‌های آبی و خاکی را در بر می‌گیرد. باید اذعان داشت که کنوانسیون از جهت دیگر نیز جامعیت دارد؛ موضوع آن به حفاظت محدود نمی‌شود، بلکه درباره بهره برداری از تنوع زیستی نیز، قواعد مورد نیاز را مقرر کرده است. این کنوانسیون در قیاس با معاهداتی که پیش از این درباره تنوع زیستی تنظیم می‌شدند، قلمرو گسترده‌تری را پوشش می‌دهد. در سال ۱۹۸۴ اتحادیه جهانی حفاظت از طبیعت، مجموعه اصولی برای حفاظت از منابع ژنتیکی وحشی تهیه کرد. با تغییراتی که در سند پیشین ایجاد شد و به صورت پیش‌نویس کنوانسیونی درآمد، مجمع عمومی اتحادیه در سال ۱۹۸۸، آن را تایید کرد. این سند به حفاظت از تنوع زیستی منحصر شد. چندی بعد با اتحادیه شورای احکام یونپ و تشکیل یک کارگروه برای تنظیم کنوانسیون، پیش‌نویسی تهیه شد که به موضوع حفاظت از تنوع زیستی، بهره برداری را نیز افزود (ساندز[15]، ۲۰۱۷، ص. ۷۳) و متن تنظیمی در ژوئن ۱۹۹۲ در کنفرانس ملل متحد در ریودوژانیرو، موسوم به «کنفرانس سازمان ملل درباره محیط زیست و توسعه» تصویب شد.

دولت‌های متعاهد در ماده ۱ اعلام کردند که با تهیه این کنوانسیون دستیابی به سه هدف: ۱) حفظ تنوع زیستی، ۲) استفاده پایدار از اجزای تنوع زیستی، ۳) بهره‌مندی مشترک از منابع ژنیتکی را پی می‌گیرند. معاهده برای مساعدت در اجرا و دستیابی به این اهداف، سه رکن، کنفرانس طرف‌های معاهده، رکن علمی و فنی و دبیرخانه را ایجاد کرده است. نهادهای کنوانسیون، در توسعه و اجرای کنوانسیون نقش مهمی دارند.

کنفرانس اعضا یا همان «کنفرانس طرف‌های معاهده» بر اساس ماده ۲۳ تشکیل می‌شود. این رکن معاهده نظارت بر اجرای معاهده و هدایت آن را عهده دار است. کنفرانس بودجه را تصویب می‌کند. گزارش‌های ملی را بررسی می‌نماید، پروتکل و ضمائم جدید را در صورت نیاز، به تصویب می‌رساند و جهت پیش راندن ساز و کار مالی کنوانسیون، شیوه مناسب را ارائه می‌کند. ترتیب تشکیل اجلاس‌ها در کنوانسیون پیش‌بینی نشده است، اما در آوریل ۲۰۰۲ در لاهه، تصویب شد که اجلاس‌های عادی در هر دو سال یکبار برگزار شوند. امکان برپایی اجلاس ویژه نیز وجود دارد.

کنفرانس اعضا در دومین اجلاس خود تصویب کرد که اولویت کاری را موضوع اکوسیستم قرار دهد. این موضع کنفرانس در گردهمایی بعدی نیز تایید و تکرار شد که از اهمیت مسئله اکوسیستم نزد جامعه بین‌المللی حکایت می‌کند. نگرش اکوسیستمی به تنوع زیستی، رمز هماهنگی و گسترش قواعد حمایت کننده از آن است که پیوسته در اجلاس بعدی کنفرانس اعضا پیگیری می‌شود.

[15] Sonds

«رویکرد اکوسیستمی» در کنفرانس چهارم و پنجم اعضا نهادینه شد، به صورتی که امروزه یکی از مفاهیم اساسی حمایت از تنوع زیستی، در معنای کلان آن است. اگرچه اکوسیستم در کنوانسیون تعریف شده است، اما رویکرد اکوسیستمی، روشی بود که در جریان فعالیت کنفرانس اعضا پدیدار شد. بر اساس این رویکرد، اکوسیستم، یک واحد کارکردی شامل جانداران و محیط بی جان اطراف آنان است که به صورت یکپارچه و منسجم مدیریت خواهد شد (میرشکاری و اسدی بروجنی، ۱۳۹۹).

«رکن فرعی مشاوره علمی، فنی و فناوری» به اتکای ماده ۲۵ کنوانسیون تشکیل شده است. این نهاد مشاوره‌های فنی، فناوری و علمی لازم را درباره حمایت از تنوع زیستی به کنفرانس اعضا ارائه می‌کند. این نهاد با تبیین جنبه‌های علمی و فنی کنوانسیون، سبب می‌شود که کنوانسیون به درستی به اجرا گذاشته شود. مشارکت در این نهاد برای تمام کشورهای عضو آزاد است. کنفرانس به طور معمول پیش از تصمیم‌گیری، از مشاوره این رکن بهره می‌گیرد. در مواردی به صراحت به توصیه‌های آن در تصمیم خود اذعان داشته است (برمکی، ۱۳۸۹، ص. ۱۵۳).

«دبیرخانه»، به موجب ماده ۲۴ کنوانسیون تشکیل شده است که وظیفه اصلی آن فراهم آوردن مقدمات برگزاری کنفرانس-های اعضا و نشست‌های سایر ارکان کنوانسیون و انجام هماهنگی‌های لازم اداری است. مقر دبیرخانه در مونترال کانادا قرار دارد. دبیرخانه وسایل هماهنگی و ارتباط با سایر کنوانسیون‌ها و سازمان‌های بین المللی را تهیه می‌کند و اقدامات ضروری برای حضور و مشارکت نماینده کنوانسیون در سایر سازمان‌های بین المللی را فراهم می‌آورد. طبق ماده ۲۷ «آیین نامه کنوانسیون»، مدیر اجرایی در راس دبیرخانه مشغول به کار می‌شود و می‌تواند در تمام کنفرانس‌های اعضا و سایر ارکان کنوانسیون حضور داشته باشد.

ساز و کار مالی کنوانسیون طبق ماده ۳۹ و در جهت اجرای مفاد بند ماده ۲۱، درباره اعطای کمک به کشورهای رو به توسعه و در پی تصمیم نخستین اجلاس کنفرانس اعضا، تحت اختیار «جف» قرار داده شده است. ساز و کار مالی مستقلی تا به امروز برای پیشبرد کنوانسیون ایجاد نشده است و از این رو همکاری میان جف و کنوانسیون همچنان ادامه دارد. «ساز و کار اتاق تهاتر» به موجب بند سوم ماده ۱۸ و پیرو مصبات کنفرانس اول و دوم اعضا، برپا گردید. هدف از این سازوکار، اجرای مواد ۱۶ تا ۱۹ درباره انتقال فناوری، تبادل اطلاعات و همکاری علمی و فنی است. این امر در دبیرخانه کنوانسیون انجام می‌شود. علاوه بر ارکان اصلی کنوانسیون، کمیته‌ها و گروه‌هایی، با اختیارات محدود و معین درباره موضوعات گوناگون نیز، حسب نیاز ایجاد شده‌اند.

به دلیل پیوستگی و ارتباط بین حفاظت از تنوع زیستی و تالاب به عنوان بستری برای وجود تنوع زیستی، بین دو کنوانسیون تنوع زیستی و رامسر تعاملات و ارتباطات مثبتی حاصل گردیده است. کنوانسیون تنوع زیستی و کنوانسیون رامسر صرفا به دلیل پیوستگی بین اکوسیستم‌ها با هم مرتبط نیستند، بلکه در نتیجه پیوندهای سیاسی با هم در ارتباطند.

کنوانسیون رامسر در انجام ماموریت‌های خود با کنوانسیون تنوع زیستی مشترک عمل می‌کنند، زیرا استفاده عاقلانه از تالاب-ها به بهره‌گیری از رهیافت‌های اکوسیستمی تعیین شده از سوی کنوانسیون تنوع زیستی بستگی دارد. اگرچه کنوانسیون رامسر و تنوع زیستی مرکز توجه و متعاهدین متفاوتی دارند، اجرای هر یک از این کنوانسیون‌ها به لحاظ کردن پیوندهای اکوسیستمی نیاز دارد، بدین طریق تقویت اهمیت تنگاتنگ میان CBD و کنوانسیون رامسر وجود دارد.

پیوند اولیه بین برنامه کاری کنوانسیون تنوع زیستی راجع به جنگل‌ها و کنوانسیون رامسر مرتبط با آب می‌باشد. اصول راهنمایی قابل انطباق هر یک از این کنوانسیون‌ها (رهیافت اکوسیستمی کنوانسیون تنوع زیستی و مفهوم استفاده عاقلانه کنوانسیون رامسر)، سیاست‌های پرداختن به پیوندهای بوم‌شناسیکی میان آب، تالاب‌ها و جنگل‌ها را در سطح چشم‌اندازها تسریع می‌نماید (Maute, 2015). اما، در عمل و در سطح برنامه‌های کاری کنوانسیون تنوع زیستی، همیشه پیوندهای مربوطه یکپارچه نیستند. گستره برنامه‌های کاری کنوانسیون تنوع زیستی راجع به جنگل‌ها، اهمیت همکاری در موضوعات خاصی را یادآور می‌شود و بنابراین این ضرورت وجود دارد که مشارکت مطلوب‌تری با کنوانسیون رامسر در محدوده چارچوب مدیریت جنگل به منظور پرداختن به اهمیت پیوندها با تالاب صورت گیرد. برنامه کاری همچنین از مشارکت کامل ذینفعان مربوطه که از جمله کنوانسیون رامسر است، در اعمال و اجرای برنامه‌های کاری حمایت به عمل می‌آورد. برنامه کاری بر این امر اذعان دارد که، علاوه بر پیوندهای اکوسیستمی، بخش عمده‌ایی از جنگل‌ها، تالاب‌ها می‌باشند و بنابراین مشترکاتی راجع به جنگل‌ها و آب‌های درون سرزمینی در برنامه‌های هر دو کنوانسیون قرار می‌گیرد.

به منظور پرداختن به منافع مشترک، هر دو کنوانسیون راجع به یک برنامه کاری مشترک توافق کرده‌اند. این برنامه کاری مشترک بر اتخاذ روش‌های حمایتی از اهداف و اصول هر دو کنوانسیون تأکید دارد (امین منصور، ۱۳۹۷، ص. ۱۰۶).

کنوانسیون تنوع زیستی مانند کنوانسیون رامسر اما در ابعاد گسترده‌تری در جهت حفاظت از تنوع زیستی و استفاده پایدار از عناصر آن اقدام می‌نماید. اگر چه بر خلاف کنوانسیون رامسر، این کنوانسیون به صراحت احیا و بازسازی اکوسیستم‌ها را در متن خود مورد بحث و بررسی قرار نمی‌دهد. با این وجود، کنوانسیون تنوع زیستی مانند کنوانسیون رامسر صرفاً دولت ها را به اقدامات بازسازی و احیا در موارد ضروری تشویق می‌نماید، بدون آن که الزام و تعهدی برای دولت ها به منظور بازسازی و احیا ایجاد نماید.

همان‌طور که در مباحث پیشین اشاره گردید بر اساس تعریف کنوانسیون رامسر از تنوع زیستی، این کنوانسیون اکو سیستم‌های آبی همچون تالاب‌ها را در بر می‌گیرد. اصطلاح تنوع زیستی به عنوان تغییر پذیری میان جانوران زنده از تمامی منابع موجود دریایی و سایر اکو سیستم‌های آبی را در بر دارد. تنوع زیستی به تنوع در محدوده گونه‌ها و اکوسیستم‌ها نیز اشاره دارد.

کنوانسیون تنوع زیستی در موارد متعددی به بازسازی و احیای تالاب‌ها اشاره داشته است. ماده ۸ کنوانسیون فهرستی از تعهدات دولت های عضو را به منظور حفاظت برشمرده است. به طور خاص، بند F ماده ۸ مقرر می‌دارد که دولت های عضو بایستی از طریق توسعه و اجرای طرح‌ها با سایر استراتژی‌های مدیریتی در جهت احیا و بازسازی اکو سیستم‌های تخریب شده و ارتقای بازیابی گونه‌های در معرض خطر تا حد ممکن مناسب اقدام نمایند. بند h ماده ۸ را نیز می‌توان به عنوان تعهدی در جهت احیا و بازسازی تالاب‌ها در نظر گرفت، حداقل در مواردی که علت تخریب وارد کردن عناصر بیگانه باشد. علاوه بر این، بند d ماده ۱۰ اظهار می‌دارد که دولت ها بایستی تا حد ممکن و به نحو شایسته از جمعیت‌های بومی در جهت توسعه و اجرای اقدام جبرانی در مناطق تخریب شده به خصوص در مناطقی که تنوع زیستی کاهش یافته است، حمایت به عمل آورند. اقدامات احتیاطی در خصوص مناطق تالابی تخریب شده آشکارا بازسازی و احیای سایت تالابی مورد نظر به منظور بازگرداندن به وضعیت سابق می‌گردد. البته، اگر چه متعاهدین بایستی به اقدامات مذکور عمل نمایند، اما دولت ها فقط ضرورت دارد «تا حد ممکن و به نحو مطلوب و شایسته» تعهدات را انجام دهند. در واقع هنوز، این تکلیف نرم، کشورها را به حمایت از اقدامات بازسازی تالاب‌ها تشویق می‌نماید.

۸- حفاظت از تالاب ها در کنوانسیون حمایت از میراث فرهنگی و طبیعی جهان مصوب ۱۹۷۲

به ترتیب تاریخی، این کنوانسیون، دومین معاهده از چهار معاهده حمایت طبیعی جهانی است که مقدم بر کنوانسیون تنوع زیستی است. این یونسکو بود که چنین ایده‌ای را مطرح کرد تا میزبان برگزاری مذاکراتی باشد که در هفدهمین اجلاس کنفرانس عمومی آن در سال ۱۹۷۲ به پیش‌بینی دبیرخانه این کنوانسیون تصویب شد.

مشخصه اصلی که توسط یونسکو آماده شده بود، فقط در مورد آثار تاریخی، گروهی از بناها و مکان‌های با ارزش جهانی، منطبق با وظیفه سازمان‌های فرهنگی بحث می‌کرد. از طرفی در همین زمان IUCN در حال تهیه پیش‌نویس کنوانسیونی برای حمایت از میراث طبیعی بود. مذاکره کنندگان به منظور پیشگیری از تعدد کنوانسیون‌ها و تعارضات غیر قابل اجتناب، بر سر ملحق کردن مفهوم میراث طبیعی داخل متن کنوانسیون توافق کردند. در نتیجه، میراث طبیعی و فرهنگی برابر قرار گرفت و از دیدگاه جهانیان با ارزش یکسانی شناخته شد. اگرچه تفاوت‌هایی در ماهیت و تدابیر لازم برای هر یک از انواع میراث به چشممی‌خورد، اما با وصف منحصر به فرد بودن، زمانی که در معرض تهدید جدی یا تخریب بخشی از میراث قرار می‌گیرند، این تفاوت‌ها ناچیز جلوه می‌کنند.

اهداف کنوانسیون در ماده جداگانه، چنان که در بسیاری از معاهدات متداول است، بیان نشده و ناگزیر مقصود و هدف معاهده را باید از مقدمه و مفاد آن استنباط کرد. هدف دولت های متعاهد، با در نظر گرفتن این که میراث فرهنگی و طبیعی، نه تنها بر اثر عوامل عادی تخریب می‌شوند، بلکه به علت تحول زندگی اجتماعی و اقتصادی، با پدیده‌های مخرب و زیان بار، وخامت آن تشدید می‌گردد، بیش از پیش در معرض تهدید قرار می‌گیرند. با توجه به اینکه برخی از میراث طبیعی و فرهنگی دارای مزایای استثنایی هستند که باید به عنوان میراث جهانی بشریت حفظ گردند و اینکه در مقابل وسعت و وخامت خطرات جدیدی که این اموال را تهدید می‌کند، لازم است که جامعه بین المللی با بذل کمک جمعی که جای اقدامات دولت مربوطه را نمی‌گیرد، لیکن کمک موثری برای آن به شمار می‌رود، در امر حمایت از میراث فرهنگی و طبیعی دارای ارزش جهانی استثنایی، شرکت جوید. با توجه به این که برای نیل به این مقصود ضرورت دارد مقررات تازه‌ای به صورت کنوانسیون که متضمن روش موثری، جهت حمایت جمعی میراث فرهنگی و طبیعی دارای ارزش جهانی استثنایی باشد، به نحو دائم و بر طبق روش‌های علمی و جدید وضع گردد، این کنوانسیون مورد تصویب قرار گرفت (اقتباس از کنوانسیون میراث فرهنگی و طبیعی جهان، هفدهمین اجلاس کنفرانس عمومی یونسکو، ۱۹۷۲).

کنوانسیون حمایت از میراث فرهنگی و طبیعی جهان (کنوانسیون میراث جهانی) در ارتباط با شناسایی، حمایت و حفاظت از سایت‌های با اهمیت فرهنگی و طبیعی است که در قلمرو دولت های عضو قرار گرفته است. متعاهدین بر اساس مواد ۱ و ۲ کنوانسیون، به شناسایی و ترسیم سایت‌های قرار گرفته در قلمرو سرزمینی‌شان به عنوان میران طبیعی بر اساس ماده ۲ عبارتست از: «آثار طبیعی متشکل از ساختارهای فیزیکی و بیولوژیکی و یا مجموعه‌ای از این نوع ساختارها که به لحاظ زیبایی شناسی و فیزیوگرافیکی، و مناطق کاملاً مشخص که زیستگاه حیوانات و گیاهان تهدید شده و به لحاظ علمی و حفاظتی دارای ارزش جهانی برجسته و ممتاز هستند؛ محوطه‌های طبیعی یا مناطق کاملاً مشخص طبیعی که به لحاظ علمی و حفاظتی و زیبایی طبیعی، حائز ارزش جهانی برجسته و بی بدیل هستند.»

در واقع باید گفت که میراث طبیعی از نظر کنوانسیون، مناطق مشخصی هستند که زیستگاه حیوانات و گیاهان تهدید شده بوده و از لحاظ علمی و حفاظتی، ارزش جهانی ممتازی دارند.

منظور از حیوانات و گیاهان تهدید شده، گونه‌های در معرض انقراض و کمیاب است، کنوانسیون از زیستگاه حمایت می‌کند.

گونه‌ای که در معرض انقراض است به خودی خود مورد حمایت کنوانسیون قرار نمی‌گیرد. بلکه مناطق طبیعی چشمگیر که در بردارنده، گونه‌های کمیاب هم هستند، مجموعاً وضعیت مناسبی را بوجود می‌آورند که آن منطقه توجه جامعه بین المللی را معطوف به خود کند و در زمره میراث طبیعی جهانی قرار می‌گیرد این کنوانسیون مانند کنوانسیون رامسر یک «معاهده منطقه محور» است.

بر اساس ماده ۵، متعاهدین یک تعهد عام وکلی مبنی بر اتخاذ اقداماتی به منظور حمایت، حفاظت و تعیین سایت‌هایی واقع در قلمرو سرزمینی‌شان را دارند. این اقدامات عبارتست از:

بسط و توسعه تحقیقات و مطالعات علمی و فنی و اتخاذ روش‌های اجرایی به منظور قادر کردن دولت‌های عضو در مواجهه با خطراتی که تهدیدی جدی در مقابل با میراث فرهنگی و طبیعی به شمار می‌رود.

اتخاذ روش‌های قانونی، علمی، فنی و اجرایی و تدابیر مالی مورد نیاز برای شناسایی، حمایت، حفاظت و احیای میراث فرهنگی با طبیعی (قانون الحاق ایران به کنوانسیون حمایت میراث فرهنگی و طبیعی جهان، مصوب ۱۳۵۳/۱۰/۸).

در حالی که هر دولت عضو به حفظ میراث فرهنگی و طبیعی واقع در قلمرو خود ملزم شده است، همه دولت های عضو رسما می‌پذیرند که میراث مذکور، جهانی به شمار رود و بر عهده جامعه بین المللی است که به دلیل حمایت از این میراث، همکاری کنند. بنابراین دولت های عضو متعهدند در شناسایی، حمایت و حفاظت از این میراث، در صورت تقاضای دولتی که میراث در سرزمین آن قرار دارد، کمک کنند. علاوه بر این و جالب‌تر اینکه، هر دولت عضر متعهد می‌شود که آگاهانه از هرگونه اقدامی که ممکن است به طور مستقیم یا غیر مستقیم به میراث واقع در قلمرو سایر دولت ها لطمه زند، خودداری کند (ماده ۶). سرانجام ماده ۷ اصل نظام همکاری و کمک بین المللی طرح شده را برای حمایت از اعضا در تلاششان برای حفاظت و شناسایی این میراث مقرر می‌دارد.

کنوانسیون، کمیته میراث جهانی را تاسیس کرد که یکی وظایف اصلی آن تهیه، چاپ و انتشار «فهرست میراث جهانی» است. پیشنهاد فهرست کردن توسط هر یک از اعضا ارائه می‌شود. سپس این پیشنهادها، در نظر کمیته بر اساس معیارها و دستورالعمل‌هایی که خود وضع کرده است، بررسی می‌شوند این معیارها جدی هستند و پیشنهادها برای ثبت در فهرست، ممکن است رد شوند. ثبت هر یک از اموال میراث جهانی، مستلزم موافقت دولت مربوطه است. نسبت به پیشنهادهای رد شده کنوانسیون آشکارا بیان می‌کند که این امر به هیچ وجه به معنای آن نیست که اموال مزبور برای مقاصدی غیر از آنچه برای ثبت در این فهرست‌ها در نظر گرفته شده، دارای ارزش جهانی نیستند (ماده ۱۲ کنوانسیون حمایت میراث فرهنگی و طبیعی جهان).

برای اینکه یک سایت در فهرست میراث جهانی قرار گیرد، آن سایت بایستی معیارهای انتخاب را داشته باشد. این معیارها در رهنمون‌های عملیاتی توضیح داده شده‌اند. این معیارها به طور منظم توسط کمیته میراث جهانی برای سازگاری با تکاملی که مفهوم میراث جهانی داشته است، مورد بازبینی قرار گرفته است.

دارایی‌های طبیعی باید شرایط زیر داشته باشند:

نمونه‌های فوق‌العاده‌ای باشند که فرآیندهای مهم در حال جریان زمین شناسی و زیستی را در تکامل و توسعه اکو سیستم‌های خاکی، آب تازه، ساحلی و دریایی و جوامعی از گیاهان و حیوانات ارائه کند؛

یا در بردارنده پدیده‌های طبیعی برتر با مناطق طبیعی همراه با زیبایی استثنایی و دارای اهمیت زیبایی شناسی،

یا دربردارنده مهم‌ترین و چشمگیرترین زیستگاه‌های طبیعی برای حفاظت تنوع زیستی در محل خود، از قبیل زیستگاه‌هایی که حاوی گونه‌های در معرض خطر از دیدگاه علمی و حفاظتی با ارزش فوق‌العاده جهانی هستند (رابینسون، ۱۳۸۶، ص. ۴۷۳).

اماکن طبیعی فهرست شده شامل تپه‌های بزرگ جهانی در استرالیا، گرندکانیون، یلواستون و علفزارهای باتلاقی در ایالات متحده، جزایر گالاپاگوس در اکوادور و پارک سرنگاتی در تانزانیا هستند. در برخی از موارد مانند ماچوپیچو در پرو، سایت مورد نظر توامان به عنوان میراث طبیعی و فرهنگی شناخته می‌شوند. کمیته میراث جهانی همچنین «فهرست جهانی در معرض خطر» را تهیه و منتشر می‌کند. این فهرست شامل اموالی می‌شود که توسط خطرات قریب‌الوقوع شدید، مشخص و مسلم تهدید شده‌اند؛ این موارد عبارتند از تهدید به ناپدیدی ناشی از تخریب وسیع، پروژه‌های عمومی و خصوصی کلان یا گسترش سریع شهرسازی یا پروژه‌های توسعه توریسم، تخریب ناشی از تغییر در کاربری یا مالکیت زمین، دگرگونی‌های ناشی از عوامل ناشناخته، اعراض، درگیری مسلحانه، مصائب و بلاهای ناگهانی از قبیل آتش سوزی‌های شدید زمین لرزه‌ها، رانش‌های زمین، انفجارات آتشفشانی و غیره (بند ۴ ماده ۱۱).

دبیرخانه‌ای که توسط مدیر کل یونسکو تعیین می‌شود، به این کمیته برای انجام وظایف خود کمک خواهد کرد (ماده ۱۴) یک مرکز میراث جهانی در سازمان مرکزی یونسکو واقع در پاریس تاسیس شده است.

رکن دیگر کنوانسیون «مجمع عمومی» است که هر دو سال یکبار تشکیل جلسه می‌دهد. این رکن کنوانسیون، بر خلاف کنفرانس اعضای مبتنی بر معاهدات زیست محیطی که وجود دارند، فعالیت و اختیارات گسترده‌ای ندارند.

مجمع عمومی، اعضای کمیته میراث جهانی را تعیین می‌کند و در واقع این کمیته است که بیشترین نقش را در نظارت بر معاهده و اجرای ماموریت‌های محوله به موجب معاهده، بر عهده دارد. از این رو حضور کمرنگ کنفرانس اعضای کنوانسیون، در قیاس با نهاد مشابه در دیگر معاهدات، موجه به نظر می‌رسد. زیرا با اختیارات گسترده‌ای که به کمیته اعطا شده نیازی به توسعه صلاحیت‌های مجمع نیست. این شیوه کارآمدی معاهده را تامین می‌کند و مناسب‌تر است.

نظر به ارتباط نیمی از مقررات کنوانسیون با میراث طبیعی، کمیته تلاش کرده است تا همکاری کنوانسیون با سایر کنوانسیون‌های مرتبط را فراهم نماید (Dyson, 2021).

از این رو سازوکاری به نام «گروه تماس تنوع زیستی» ایجاد شده است. این گروه شامل روسای دبیرخانه کنوانسیون تنوع زیستی، کنوانسیون رامسر، کنوانسیون بن، معاهده منابع ژنتیکی گیاهی می‌شود. غرض و مقصود این گروه، هماهنگی جنبه‌های اکوسیستمی و تنوع زیستی این کنوانسیون‌ها است تا بهتر بتوان به اهداف آن معاهدات و اهداف توسعه هزاره دست یافت.

در این راستا، برخی تالاب‌ها در فهرست میراث طبیعی جهانی به ثبت رسیده‌اند. از جمله تالاب‌ها پانتانال برزیل، جنگل‌های سوندرا بانز در بنگلادش، پارک ملی توباتاها در فلیپین و دلتای دانوب در رومانی.

۸-۱- حفاظت از تالاب ها در کنوانسیون بن مصوب ۱۹۸۳

کنوانسیون محافظت از گونه‌های مهاجر جانوران وحشی که به نام کنوانسیون بن شناخته می‌شود معاهده‌ای است که بر پایه آن گونه‌های مهاجر ساکن در خشکی، آب وهوا باید مورد حفاظت و حمایت قرار گیرند. این کنوانسیون در سال ۱۹۷۹ در شهر بن به امضا رسید و در سال ۱۹۸۳ به اجرا گذاشته شد. این کنوانسیون نیز مانند کنوانسیون تنوع زیستی بر حمایت از گونه‌ها، منتهی به طور خاص گونه‌های وحشی تأکید دارد. از آنجایی که تالاب‌ها زیستگاه طیف گسترده‌ای از جانوران را تامین می‌کنند و قطعا گونه-های وحشی همچون مرغ ماهی‌خوار، قوی وحشی نیز در این گستره می‌گنجند، حفاظت از تالاب‌ها پایه اساسی دستیابی به آرمان-های کنوانسیون بن می‌باشد. از همین رو کنوانسیون بن نیز در حفاظت از تالاب‌ها نقش دارد (Farrier & Tucker, 2021).

۸-۲- حفاظت از تالاب ها در کنوانسیون تغییرات اقلیمی مصوب ۱۹۹۲

خشک شدن تالاب‌ها یکی از چالش‌های زیست محیطی ناشی از تغییرات اقلیم است. در سال‌های اخیر طولانی شدن دوره خشک‌سالی‌ها و تغییرات اقلیمی به یکی از مشکلات جدی پیش روی تالاب‌ها تبدیل شده است (شجاعی، شمسایی، ۱۳۹۳، ص. ۱۲). کنوانسیون تغییرات افلیم در ۴ ژوئن ۱۹۹۲ در شهر نیویورک امضا شد. این کنوانسیون بر پایدار سازی مقدار گازهای گلخانه‌ای موجود در جو زمین تأکید دارد. از آنجایی که تالاب‌ها نقش بسزایی در جذب کربن و تعدیل میزان آن در جو دارند پس این اکوسیستم‌ها برای دست‌یابی به هدف نهایی کنوانسیون تغییرات اقلیمی حائز اهمیت خواهند بود. از این رو کنوانسیون تغییرات اقلیمی نیز به طور غیر مستقیم بر حفاظت از تالاب‌ها به عنوان تعدیل کننده‌های مهم میزان کربن نقش دارند.

۸-۳- حفاظت از تالاب ها در رویه سازمان‌های بین المللی

بی تردید رشد شگفت‌انگیز کمی سازمان‌های بین‌المللی، از برجسته‌ترین جنبه‌های روابط بین‌المللی در قرن بیستم بوده است. رشد سازمان‌های بین المللی در نیمه قرن بیستم باعث شد که شمار سازمان‌ها از تعداد تابعان اولیه حقوق بین‌الملل یعنی دولت ها بسیار بالاتر رود، واقعیتی که شاید تا مدتی پیش حتی تصور آن نیز چندان آسان نبود در میان آن‌ها، بالغ بر ۱۲۵ سازمان یافت می-شود که به موضوع محیط زیست در سطح جهانی اشتغال دارند (والاس، ۱۳۹۴، ص. ۳۱).

اگرچه موضوع و هدف سازمان ملل متحد و ۱۶ آژانس تخصصی آن به صورت اختصاصی درباره محیط زیست نیست، اما برخی از آن‌ها به علت ارتباط نزدیک حوزه اشتغالشان، اقدام به ایجاد نهاد فرعی خاص امور زیست محیطی کرده‌اند. به طور مثال با وجود اینکه سازمان تجارت جهانی هیچ موافقت‌نامه خاصی در زمینه محیط زیست ندارد. در هر صورت در مجموعه سازمان ملل، آژانس تخصصی یا نهاد فرعی با صلاحیت خاص و انحصاری درباره حمایت از این تالاب‌ها وجود ندارد (بیگ زاده، ۱۳۹۶، ص. ۷۱۶).

یک نهاد در مجموعه سازمان ملل، اشتغال خاص درباره محیط زیست دارد که مطالعه عملکرد آن، درباره حفاظت از مناطق تالابی ضروری به نظر می‌رسد و آن «برنامه محیط زیست ملل متحد» است. همچنین در زمینه حفاظت از محیط زیست تالاب‌ها بررسی سازمان‌های مردم نهاد بین المللی، لازم و ضروری می‌آید. بنابراین به طور کلی علاوه بر برنامه‌ها و سازمان‌های بین الدولی

با صلاحیت عام راجع به محیط زیست، بررسی سازمان‌های غیر دولتی (NGO) به منظور تبیین ساز و کارهای سازمانی حفاظت از محیط زیست تالاب‌ها دارای اهمیت است.

۹- برنامه محیط زیست ملل متحد

اعلامیه ۱۹۷۲ استکهلم زمینه تاسیس «برنامه محیط زیست ملل متحد» را فراهم آورد. مجمع عمومی سازمان ملل، یونپ را ایجاد نمود. همان طور که در مقدمه «قطعنامه» موسس یونپ آمده، چون نیاز فوری به ایجاد ترتیبات سازمانی دایم در چارچوب نظام سازمان ملل متحد برای حمایت و بهبود محیط زیست احساس می‌شد، از این رو نخستین نهاد در سازمان ملل با اشتغال محیط زیست ایجاد شد. یونپ، اگر چه نام «برنامه» بر خود دارد، ولی یک سازمان بین‌المللی به شمار می‌آید. اگر چه غالب سازمان‌های بین المللی با توافق دولت ها در قالب یک معاهده ایجاد می‌شوند، ولی معدود سازمان‌هایی هستند که با تصمیم یک سازمان بین المللی در قالب یک قطعنامه تشکیل می‌شوند. نهادهای شبیه یونپ که خود توسط سازمان بین المللی دیگری بوجود آمده‌اند را سازمان بین المللی فرعی می‌نامند.

یونپ دارای سه رکن می‌باشد. شورای اداری که مرکب از ۵۸ کشور است و توسط مجمع عمومی برای یک دوره سه ساله انتخاب می‌شوند. دبیرخانه که در نایروبی مستقر است و در راس آن مدیر اجرایی قرار دارد. او برای یک دوره چهار ساله انتخاب می‌شود. صندوق محیط زیست که موجودی آن با مشارکت و پرداخت داوطلبانه تامین می‌شود.

هدف‌های این سازمان را با توجه به بند دوم ماده (۱) سند موسس می‌توان به اختصار بر شمرد:

- ارتقا همکاری بین المللی در زمینه محیط زیست و در صورت لزوم توصیه راهبردهایی در این خصوص
- ارتقا رهنمودهای کلی برای هدایت و هماهنگ کردن برنامه‌های محیط زیست، در چارچوب نظام سازمان ملل
- بررسی وضعیت محیط زیست جهانی
- تشویق مشارکت مجامع علمی و سایر مجامع حرفه‌ای، در جمع آوری، ارزیابی و مبادله دانش و اطلاعات مربوط به محیط زیست
- بررسی مستمر تاثیر راهبردها و اقدامات محیط زیستی ملی و بین المللی در کشورهای رو به توسعه، موضوعات زیست محیطی گسترده‌ای در قلمرو فعالیت یونپ جای می‌گیرد. فعالیت‌های یونپ درباره مدیریت منابع طبیعی و حمایت از محیط زیست به طور غیر مستقیم به حمایت و حفاظت از محیط زیست تالاب‌ها سود می‌رساند (Golizzi& Philippe, 2017).

یونپ با دبیرخانه‌های شماری از کنوانسیون‌های مرتبط با حفاظت از محیط زیست تالاب‌ها از جمله کنوانسیون رامسر، تنوع زیستی و بن همکاری مستمر دارد و برای این منظور بخش ویژه‌ای در دبیرخانه، راه اندازی شده است. به علاوه، یونپ به عنوان یک برنامه جهانی در چارچوب سازمان ملل متحد که به طور مستقیم و غیر مستقیم در بحث حفاظت از محیط زیست تالاب‌ها دارای نقش است، باید به نقش سازمان‌های بین المللی مردم نهاد که از جمله ترتیبات سازمانی هستند نیز اشاره داشت.

سازمان‌های غیر دولتی (NGO) از متخصصان مربوطه و همچنین شهروندان و همچنین شهروندان علاقه‌مند ترکیب یافته‌اند. متخصصان سازمان‌های غیر دولتی می‌توانند به عنوان مشاورانی برای مقامات محیط زیستی و معلمانی در جهت آگاه سازی عموم مردم به کار گرفته شوند. سازمان‌های مردم نهاد بخشی از دولت به شمار نمی‌روند. بدین لحاظ، (NGO) از منابع ارزشمند انسانی در جهت حفاظت از مناطق تالابی برخوردارند.

اصطلاح «سازمان‌های غیردولتی» با تاسیس سازمان ملل متحد در ۱۹۴۵ بر اساس مقررات ماده ۷۱ فصل ۱۰ منشور ملل متحد به منظور نقش مشورتی برای سازمان‌های بین الدولی و همچنین دولت های عضو به کار گرفته شد. تعریف سازمان بین المللی غیر دولتی نخستین بار در قطعنامه ۲۸۸ (X) در ۲۷ فوریه ۱۹۵۰ ارائه گردید که آن را به عنوان سازمان بین المللی که بر اساس معاهده بین المللی تاسیس نگردیده است، تعریف کرده است. نقش مهم و حیاتی سازمان‌های غیر دولتی و سایر "گروه‌های تاثیر گذار" در امر توسعه پایدار بر اساس فصل ۲۷ دستور کار ۲۱، سازماندهی روابط بین سازمان ملل متحد و سازمان‌های غیر دولتی به رسمیت شناخته شده است.

کنوانسیون رامسر به عنوان کنوانسیونی منحصر به فرد در امر حفاظت از محیط زیست تالاب‌ها، با چهار سازمان‌های بین‌المللی غیر دولتی تعامل بسیار نزدیکی برقرار نموده است، این سازمان‌ها در قطعنامه ۱۹۹۹ وضعیت رسمی "سازمان‌های بین المللی همکار کنوانسیون" را یافتند. در قطعنامه سال ۲۰۰۵ طرف‌های معاهده رامسر، تایید نمودند که IWMI (موسسه بین المللی مدیریت آب) واجد شرایط وضعیت سازمان بین المللی همکار کنوانسیون (مطرح در سال ۱۹۹۹) است و آن سازمان را به عنوان پنجمین همکار رسمی کنوانسیون پذیرفتند (Timoshenko, 2018).

سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی همکار، کمک‌های ارزنده‌ای در سطح جهانی، منطقه‌ای، ملی و محلی برای اجرای هر چه بهتر کنوانسیون و دستورالعمل صادره از سوی کنوانسیون فراهم می‌نمایند، به خصوص از طریق ارائه مشاوره‌های فنی، مساعدت‌های اجرایی عملیاتی و تامین مالی که هم توسط ستادهای مرکزی آن‌ها و هم از طریق دفاتر ملی و منطقه‌ای و نیز نهادهای وابسته و شبکه‌های تخصصی آن‌ها میسر می‌گردد. شایان ذکر است که سازمان‌های مذکور مرتباً در کلیه جلسات کنفرانس دولت های عضو معاهده (COP) و کمیته دایمی به عنوان ناظر شرکت جسته و در پانل بررسی‌های علمی و فنی به صورت اعضای دایم فعالیت می‌نمایند. در ادامه به معرفی سازمان‌های بین المللی غیر دولتی که در امر حفاظت از محیط زیست تالاب‌ها دارای نقش هستند خواهیم پرداخت.

۱۰- اتحادیه جهانی حفاظت از طبیعت

این سازمان را می‌توان نسبت به سایر سازمان‌های فعال در امر حفاظت از محیط زیست تالاب‌ها دارای اهمیت بیشتری دانست، زیرا گسترده‌ترین و قدیمی‌ترین شبکه جهانی حفاظت از محیط زیست به شمار می‌رود. «اتحادیه جهانی حفاظت» در ۱۹۴۸ آغاز به کار کرد. در ابتدا نام آن «اتحادیه بین المللی حفاظت از طبیعت» بود، اما در ۱۹۶۵ به «اتحادیه بین المللی حفاظت طبیعت و منابع طبیعی» و در ۱۹۹۰ به «اتحادیه جهانی حفاظت» تغییر نام داد.

اگر چه در حال حاضر اتحادیه جهانی حفاظت از طبیعت نام دارد، اما همچنان از حروف اختصاری قدیم خود استفاده می‌کند. این سازمان بین المللی ترکیبی چندگانه دارد. ۸۲ دولت، ۱۱۱ نهاد دولتی و ۸۰۰ سازمان مردم نهاد و حدود ۱۰۰۰۰ متخصص در آن عضویت دارند مقر آن گلاند سوییس است. ترکیب اعضای اتحادیه خاص و منحصر به فرد می‌باشد. اگرچه در آن تعداد ۸۲ دولت عضویت دارند، با این وجود سازمان بین الدولی محسوب نمی‌شود و باید آن را در زمره سازمان‌های مردم نهاد بین‌المللی جای داد. کمسیون حقوق بین‌الملل در نظر تفسیری خود در پیش‌نویس «مسئولیت سازمان‌های بین المللی» از این نهاد به عنوان سازمانی یاد می‌کند که در تعریف «سازمان بین المللی» مندرج در بند (الف) ماده آن نمی‌گنجد، در نتیجه از شمول مقررات کنوانسیون خارج است. علت هم آن است که اتحادیه جهانی حفاظت طبیعت، همان گونه که در ماده یک أساس‌نامه آن منعکس می‌باشد، بر اساس قانونی مدنی سوییس ایجاد شده است. با این وجود از جایگاه مهمی برخوردار است و در مقام عضو ناظر در سازمان ملل متحد و کمیته بین المللی صلیب سرخ عضویت دارد.

هدف اتحادیه حفاظت از گونه‌ها و اکوسیستم است. اتحادیه یک رکن عمومی به نام «کنگره جهانی حفاظت» دارد که هر چهار سال یکبار تشکیل و برنامه کاری سازمان را تصویب و اعضای شورایی اتحادیه را انتخاب می‌کند «شورا» که مرکب از ۳۲ نفر است و اعضای آن از سوی کنگره انتخاب می‌شوند (Tyler, 2021).

یکی از اقدامات این سازمان در طول فعالیت خود، تلاش برای تهیه موافقت‌نامه‌های بین المللی حفاظت از گونه‌ها و زیستگاه‌های حیات‌وحش است. اتحادیه جهانی حفاظت، نقش محوری در تنظیم کنوانسیون رامسر، کنوانسیون میراث جهانی، کنوانسیون بن، کنوانسیون تنوع زیستی داشته است.

اتحادیه در شماری از معاهدات مرتبط با حفاظت از تالاب‌ها به صورت رسمی حضور دارد. دبیرخانه کنوانسیون رامسر در اتحادیه مستقر است که به این ترتیب برای اجرای امور اداری آن معاهده، تسهیلات و خدمات مورد نیاز فراهم می‌شود. همچنین با کنوانسیون تنوع زیستی نیز از طریق کسب مقام مشاور، با کنفرانس اعضای کنوانسیون همکاری می‌کند (رابینسون و کوروکولاسوریا، ص. ۴۸۵).

۱۰-۱- سازمان تالاب‌های بین المللی

تالاب‌های بین المللی، سازمانی بین المللی است که امر تقویت و ترمیم تالاب‌ها و منابع آن‌ها را برای انسان‌ها و تنوع زیستی به عهده گرفته است. این نهاد سازمانی مستقل، غیرانتفاعی و جهانی است که از سوی اعضای آن که دولت‌ها و سازمان‌های غیر دولتی سرتاسر جهان هستند، حمایت می‌شوند.

این اتحادیه به طور تقریبی دارای ۱۵۰ کارمند عضو، ۱۲ دفتر منطقه‌ای و ملی و تعدادی مراکز اجرای پروژه در سرتاسر جهان می‌باشد. همچنین از مشاوره‌های ۱۰۰۰ مشاور ویژه در موضوعات مختلف بهره می‌گیرد. نزدیک به ۱۵۰۰۰ داوطلب به WI از طریق ارائه اطلاعات بواسطه نظارت و کنترل بر روی میلیون‌ها پرندگان آبی مساعدت می‌نمایند (حمیدی، ۱۳۸۲، ص. ۷۳).

در مجموع همان طور که ملاحظه شد، ترتیبات نهادی بین المللی حفاظت از اکوسیستم تالاب‌ها در یک مرکز یا سازمان بین المللی متمرکز نشده‌اند و سازمان‌های فرعی و ترتیبات معاهده‌ایی، اعمال و اجرای تعهدات دولت‌ها را سامان داده و تضمین می‌نماید. مجموع ترتیبات معاهده‌ای و سازمانی اعم از بین الدولی و غیردولتی، با قواعد مرتبط، نظام بین المللی حفاظت از تالاب‌ها را

تشکیل می‌دهند. شایان ذکر است، همان طور که در بخش تبیین تعهداتی دولت ها بر اساس کنوانسیون‌های مربوطه گفته شد، کنوانسیون‌های مربوطه از این سازوکارها بهره‌مندند.

۱۰-۲- اتحادیه جهانی حفاظت از حیات پرندگان

سازمانی است با مشارکت جهانی سازمان‌های حفاظتی که هدف آن حفاظت از پرندگان، سکونتگاه‌های آنها و تنوع زیستی می‌باشد و در این راستا به دنبال همکاری جهت استفاده پایدار از منابع طبیعی می‌باشد. شرکای این سازمان در بیش از یکصد کشور و منطقه در جهان فعالیت می‌کنند.

۱۰-۳- موسسه بین المللی مدیریت آب

این موسسه یکی از ۱۵ مراکز مطالعاتی مورد حمایت گروهی متشکل از ۶۰ دولت، انجمن‌های خصوصی و سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای است که مجموعاً تحت عنوان گروه مشاوران تحقیقات کشاورزی بین‌المللی شناخته می‌شود. موسسه بین‌المللی مدیریت آب، سازمان غیردولتی است که هدفش بهبود مدیریت اراضی و آبی برای غذا، معاش و طبیعت است (دیویس[16]، ۱۳۸۰، ص. ۵۶).

۱۱- نتیجه‌گیری و پیشنهادها

تالاب‌ها به‌عنوان یکی از پیچیده‌ترین و در عین حال مهم‌ترین اکوسیستم‌های طبیعی، نقشی بنیادین در حفظ تنوع زیستی، تنظیم چرخه‌های هیدرولوژیک، کنترل تغییرات اقلیمی و تأمین معیشت جوامع محلی ایفا می‌کنند. یافته‌های این مقاله نشان می‌دهد که کنوانسیون رامسر، به‌عنوان نخستین معاهده مدرن زیست‌محیطی با رویکردی اکوسیستم‌محور، چارچوبی مهم و تأثیرگذار برای شکل‌دهی به تعهدات بین‌المللی دولت‌ها در زمینه حفاظت و استفاده عاقلانه از تالاب‌ها فراهم آورده است. این کنوانسیون با تأکید بر مفهوم «استفاده عاقلانه»، تلاش کرده است میان الزامات حفاظت محیط‌زیستی و نیازهای توسعه‌ای دولت‌ها تعادل برقرار کند. با این حال، بررسی‌های انجام‌شده حاکی از آن است که ماهیت عمدتاً نرم تعهدات کنوانسیون رامسر، فقدان ضمانت‌های اجرایی الزام‌آور و وابستگی گسترده اجرای مفاد آن به اراده و سیاست‌گذاری داخلی دولت‌ها، موجب شده است که کارآمدی عملی آن در جلوگیری از تخریب و زوال تالاب‌ها با چالش‌های جدی مواجه باشد. تداوم روند تخریب تالاب‌ها در سطح ملی و فراملی، علی‌رغم افزایش تعداد دولت‌های عضو و توسعه اسناد تفسیری و راهبردی کنوانسیون، مؤید وجود شکاف معنادار میان تعهدات حقوقی و عملکرد اجرایی دولت‌هاست . در این چارچوب، مقاله حاضر نشان می‌دهد که تحقق اهداف کنوانسیون رامسر مستلزم تقویت هم‌افزایی میان حقوق بین‌الملل محیط زیست و نظام‌های حقوقی داخلی، ارتقای جایگاه اصل توسعه پایدار در سیاست‌گذاری‌های ملی، و نهادینه‌سازی ابزارهایی نظیر ارزیابی اثرات زیست‌محیطی، مدیریت یکپارچه تالاب‌ها و مشارکت فعال ذی‌نفعان محلی است. افزون بر این، گسترش همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، به‌ویژه در مورد تالاب‌های فرامرزی، می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در افزایش اثربخشی رژیم حقوقی رامسر ایفا کند .

تحلیل انجام‌شده در این مقاله نشان می‌دهد که حفاظت از تالاب‌ها در نظام حقوق بین‌الملل محیط زیست، بیش از آنکه صرفاً یک تعهد زیست‌محیطی باشد، بازتابی از تحول نگرش جامعه بین‌المللی نسبت به پیوند میان محیط زیست، توسعه و منافع انسانی است. کنوانسیون رامسر به‌عنوان نخستین معاهده بین‌المللی مدرن در حوزه حفاظت از منابع طبیعی، با شناسایی تالاب‌ها به‌عنوان اکوسیستم‌هایی پویا و دارای کارکردهای چندگانه، بنیان‌های نظری و حقوقی مهمی را برای حفاظت و بهره‌برداری خردمندانه از این زیست‌بوم‌ها فراهم آورده است. رویکرد اکوسیستم‌محور و تأکید بر مفهوم «استفاده عاقلانه» را می‌توان از مهم‌ترین دستاوردهای مفهومی این کنوانسیون دانست که نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری اسناد و رویه‌های بعدی حقوق بین‌الملل محیط زیست ایفا کرده است .با این وجود، یافته‌های مقاله نشان می‌دهد که فاصله معناداری میان اهداف هنجاری کنوانسیون رامسر و واقعیت‌های اجرایی حفاظت از تالاب‌ها در سطح ملی و بین‌المللی وجود دارد. ماهیت غالباً نرم تعهدات ناشی از کنوانسیون، فقدان سازوکارهای الزام‌آور نظارتی و ضمانت‌های اجرایی مؤثر، و اتکای گسترده اجرای مفاد آن به سیاست‌ها و ظرفیت‌های داخلی دولت‌ها، سبب شده است که این معاهده علی‌رغم برخورداری از عضویت گسترده، نتواند به‌طور کامل از تداوم روند تخریب، تغییر کاربری و زوال تالاب‌ها جلوگیری کند. در واقع، کنوانسیون رامسر بیش از آنکه یک رژیم الزام‌آور حقوقی باشد، به چارچوبی راهبردی و هدایتی شباهت دارد که کارآمدی آن به میزان تعهد و اراده دولت‌ها وابسته است .از منظر تحلیلی، مفهوم «استفاده عاقلانه» که هسته

16- Daivis

مرکزی تعهدات دولت‌ها در کنوانسیون رامسر را تشکیل می‌دهد، در عین برخورداری از انعطاف‌پذیری مفهومی، با ابهام‌های حقوقی قابل‌توجهی همراه است. این ابهام، اگرچه امکان انطباق اصل مزبور با شرایط متنوع اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی دولت‌ها را فراهم می‌کند، اما در عمل می‌تواند به تفاسیر موسع و گاه تقلیل‌گرایانه منجر شود که اولویت را به منافع کوتاه‌مدت توسعه‌ای داده و اهداف حفاظتی کنوانسیون را تضعیف می‌کند. از این رو، فقدان معیارهای عینی و قابل سنجش برای ارزیابی پایبندی دولت‌ها به اصل استفاده عاقلانه، یکی از چالش‌های اساسی رژیم حقوقی رامسر به شمار می‌رود .بررسی تعهدات دولت‌ها در چارچوب کنوانسیون همچنین نشان می‌دهد که موفقیت این رژیم حقوقی تا حد زیادی به تعامل آن با سایر شاخه‌های حقوق بین‌الملل محیط زیست، به‌ویژه اصول توسعه پایدار، ارزیابی اثرات زیست‌محیطی و مدیریت یکپارچه منابع طبیعی، وابسته است. بدون ادغام مؤثر این اصول در سیاست‌گذاری‌های ملی و برنامه‌ریزی‌های سرزمینی، تعهدات مندرج در کنوانسیون رامسر عمدتاً جنبه اعلامی و نمادین خواهند داشت. از این منظر، کنوانسیون زمانی می‌تواند نقش واقعی خود را ایفا کند که به‌عنوان بخشی از یک نظام حقوقی منسجم و هماهنگ در سطح ملی و فراملی مورد توجه قرار گیرد .علاوه بر این، مقاله حاضر نشان می‌دهد که چالش‌های نوظهور زیست‌محیطی از جمله تغییرات اقلیمی، افزایش فشارهای انسانی، رشد پروژه‌های عمرانی و بهره‌برداری ناپایدار از منابع آب، ضرورت بازاندیشی در سازوکارهای اجرایی و نظارتی کنوانسیون رامسر را دوچندان کرده است. تالاب‌های فرامرزی به‌ویژه نمونه‌ای روشن از محدودیت‌های رویکرد دولت‌محور کنوانسیون هستند؛ چراکه فقدان همکاری مؤثر منطقه‌ای و نبود تعهدات الزام‌آور مشترک، حفاظت از این تالاب‌ها را با دشواری‌های جدی مواجه ساخته است .در نهایت، می‌توان نتیجه گرفت که کنوانسیون رامسر علی‌رغم برخورداری از جایگاهی محوری در تاریخ تحول حقوق بین‌الملل محیط زیست، برای پاسخ‌گویی به نیازها و چالش‌های کنونی حفاظت از تالاب‌ها نیازمند تقویت هنجاری و اجرایی است. حرکت به‌سوی شفاف‌سازی تعهدات دولت‌ها، ارتقای سازوکارهای پایش و گزارش‌دهی، تقویت همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، و پیوند مؤثرتر میان تعهدات بین‌المللی و حقوق داخلی، می‌تواند به افزایش کارآمدی این کنوانسیون کمک کند. در غیر این صورت، خطر تبدیل شدن تعهدات دولت‌ها در حوزه حفاظت از تالاب‌ها به تعهداتی صرفاً شکلی و غیرمؤثر همچنان پابرجا خواهد ماند. در نهایت، می‌توان نتیجه گرفت که اگرچه کنوانسیون رامسر به‌عنوان سنگ‌بنای حقوق بین‌الملل تالاب‌ها دستاوردهای مفهومی و نهادی ارزشمندی به همراه داشته است، اما پاسخ‌گویی به چالش‌های نوظهور زیست‌محیطی مستلزم بازخوانی انتقادی تعهدات دولت‌ها، تقویت سازوکارهای نظارتی و حرکت به‌سوی تعهدات مؤثرتر و هماهنگ‌تر در سطوح ملی، منطقه‌ای و جهانی خواهد بود.

برخی پیشنهادها اجرایی برای سیاست‌گذاران و نهادهای مربوطه عبارتند از:

به‌روزرسانی و تقویت فهرست تالاب‌های رامسر

- ایجاد یک چارچوب ملی برای ثبت، تأیید و به‌روزرسانی دوره‌ای تالاب‌ها با مسئولیت مشخص (وزارت محیط زیست، دفتر تالاب‌ها، دبیرخانه رامسر) و تعیین زمان‌بندی منظم (مثلاً هر دو سال یک‌بار).
- توسعه درگاه داده ملی با قابلیت انتشار عمومی و گزارش‌دهی شفاف به دبیرخانه رامسر و عموم مردم.
- الزام به شناسایی تالاب‌های دارای ارزش بین‌المللی با ارائه معیارهای روشن (تنوع زیستی، اکوسیستم‌های مرتبط، خدمات اکولوژیکی) و ارائه گزارش غیرمحرمانه به دبیرخانه.

تقویت ظرفیت اجرای ملی و سازمانی

- تخصیص بودجه هدفمند برای حفاظت تالاب‌ها با بندهای مشخص در بودجه ملی یا استانی و تعیین شاخص‌های ارزیابی کارآمدی بودجه (نسبت هزینه به حفاظت، بهبود کیفیت آب، شاخص‌های سلامت زیست‌محیطی).
- ایجاد واحدهای اجرای تالاب درحوضه‌های ملی و محلی با اختیار تصمیم‌گیری محدود و گزارش‌دهی به دفتر مرکزی.
- راه‌اندازی سیستم کارپوشه‌ای برای مستندسازی اجرایی: برنامه‌های حفاظت، نتایج نظارت، گزارش‌های دوره‌ای و ...

نظارت، گزارش‌دهی و ارزیابی دوره‌ای

- تعریف شاخص‌های کلیدی کارآمدی (KPI) برای هر هدف برنامه‌های رامسر:
- استفاده عاقلانه از تالاب‌ها: شاخص‌های بهره‌برداری پایدار، کاهش تخریب زیستگاه‌ها، حفظ خدمات اکولوژیکی.
- توسعه ظرفیت اجرا: تعداد کارکنانآموزش دیده، دسترسی به فناوری‌های نظارت، کیفیت داده‌های گزارش‌دهی.
- افزایش همکاری بین‌المللی: میزان تفاهم‌نامه‌های همکاری، پروژه‌های مشترک، تبادل فناوری.

- اجرا و انتشار گزارش‌های نیمه‌سالانه و سالانه با نسخه عمومی و نسخه تخصصی برای نهادهای تصمیم‌ساز.
- ایجاد سامانه هشدار و پاسخ سریع برای تهدیدهای تالابی (آلودگی، تغییر کاربری، وقوع فاجعه‌های طبیعی).

مشارکت ذی‌نفعان و جامعه مدنی

- طراحی سازوکار مشارکتی با حضور جوامع محلی، بخش خصوصی، دانشگاه‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد در تمامی مراحل پروژه‌ها از برنامه‌ریزی تا ارزیابی.
- ایجاد شبکه‌ای از کارگروه‌های محلی تالاب با وظایف مشخص (نظارت زیستی، مدیریت منابع، جمع‌آوری داده‌های محلی).
- ارتقاء آگاهی عمومی از طریق آموزش محیط زیست، برنامه‌های داوطلبی، و دسترسی به نتایج پژوهش‌ها به زبان ساده

سازوکارهای اقتصادی برای حفاظت تالاب‌ها

- ایجاد مشوق‌های مالی برای حفظ تالاب‌ها مانند پرداخت‌های برای خدمات اکولوژیکی، کمک‌های فنی و مشاوره‌ای برای جوامع شیوه‌های پایدار استفاده از تالاب‌ها.
- ارزیابی هزینه–فایده و مدل‌های اقتصاد تالابی برای نشان دادن ارزش افزوده حفاظت تالاب به اقتصاد محلی و ملی.
- پشتیبانی از پروژه‌های مبتنی بر اکوتوریسم پایدار و توسعه صنایع کوچک مرتبط با تالاب‌ها که به حفظ اکوسیستم کمک کنند.

هماهنگی و هم‌افزایی با سایر سازوکارهای بین‌المللی

- تقویت هم‌پیوندی با کنوانسیون‌های تغییرات اقلیمی (UNFCCC)، تنوع زیستی(CBD) و سایر کنوانسیون‌های مرتبط برای هم‌گرایی اهداف و استفاده از منابع مالی بین‌المللی.
- ایجاد چارچوب‌های هماهنگی با سازمان‌های بین‌المللی طرف رامسر برای نیل به اهداف مشترک با تقسیم وظایف و اشتراک داده‌ها.

مدیریت ریسک و تاب‌آوری تالاب‌ها

- شناسایی مخاطرات اصلی تالاب‌ها (خشکسالی، آلودگی صنعتی، تبخیری، تغییر کاربری) و تدوین طرح‌های پاسخ سریع و همراه با پاسخ‌های اضطراری.
- توسعه طرح‌های تاب‌آوری با رویکرد "پیوستگی اکوسیستم–جامعه": حفظ گونه‌های کلیدی، باززنده‌سازی زیستگاه‌های تخریب‌شده و حفاظت از خدمات زیست‌محیطی برای جوامع محلی.

قراردادها و چارچوب‌های قانونی داخلی

- بازنگری و به‌روزرسانی چارچوب‌های قانونی داخلی مرتبط با حفاظت تالاب‌ها با تمرکز بر وضوح و شفافیت در تعهدات دولت، واجدان مسئولیت و سازوکارهای اجرای رأی قضایی در صورت تخلف.
- تدوین استانداردهای اجرایی ملی برای اجرای تعهدات رامسر و ترجمه دقیق اصول کنوانسیون به قوانین داخلی.

پژوهش‌های کارآمدی و پیگیری علمی

- حمایت از مطالعات مقایسه‌ای بین کشورها با تمرکز بر عواملی که کارآمدی تعهدات را تقویت یا تضعیف می‌کنند (سطح توسعه، ظرفیت اجرایی، نهادهای محلی، شفافیت داده‌ها).
- تشویق به پژوهش‌های درون‌سازمانی با داده‌های میدانی از تالاب‌های منتخب و انتشار نتایج با روش‌شناسی روشن.

گزارش‌دهی به چارچوب رامسر در آینده

- گسترش گزارش‌دهی به دبیرخانه رامسر با استفاده از قالب‌های استاندارد، شامل:
- ثبت دقیق تالاب‌ها با مختصات، سطح سطح‌بندی و وضعیت حفاظتی.
- گزارش پیشرفت اجرای برنامه‌های پنج‌گانه رامسر با شاخص‌های قابل اندازه‌گیری.

- اشتراک روندهای تغییراتی در تالاب‌ها و پیوست نمودارها و نقشه‌های تصمیم‌گیری.

منابع

۱) امین منصور، جواد (۱۳۹۱). از "ریو" تا "ریو + ۲۰"، «گروهی مذاکرات و نتایج کنفرانس توسعه پایدار ملل متحد، مجله علمی ترویجی (وزارت علوم)»، ۲۶ (۲).
۲) باقرزاده‌کریمی، مسعود (۱۳۹۳). مدیریت تالاب‌ها، انتشارات پیک اندیشه آموزگار، تهران.
۳) بخشی، سارا (۱۴۰۲). حفاظت از محیط زیست در پرتو کنوانسیون بین المللی تالاب‌ها (رامسر) مطالعه موردی: منطقه حفاظت شده میانکاله، انتشارات حانون، تهران.
۴) بدیسار، ناصرالدین؛ احمدی، محمدصادق (۱۳۹۶). حقوق حاکم بر آب در بستر عمومی ایران، انتشارات میزان، تهران.
۵) برمکی، جعفر (۱۳۸۹). راهنمای مذاکره در موافقتنامه‌های چند جانبه زیست محیطی، انتشارات وزارت امور خارجه، تهران.
۶) جعفری، امین؛ احمدی، اصغر؛ ساعدی، بهمن (۱۳۹۸). «جبران خسارات جرائم زیست محیطی در حقوق بین الملل و حقوق ایران»، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، ۴۹ (۲).
۷) حمیدی، اسماعیل (۱۳۸۲). تلاش‌های سازمان حفاظت محیط زیست در عرصه بین المللی: معرفی کنوانسیون‌ها و پروژه‌های بین المللی سازمان حفاظت محیط زیست، انتشارات هنر آبی، تهران.
۸) دبیری، فرهاد (۱۳۸۸). «بررسی اصول و مفاهیم حقوق بین‌الملل محیط زیست با نگاهی به توسعه پایدار»، ۱۱، (۳)، ۱.
۹) رابینسون، نیکلاس؛ کوروکولاسوریا، لال (۱۳۸۶). مبانی حقوق بین‌الملل محیط زیست، ترجمه: سید محمد مهدی حسینی، انتشارات میزان، تهران.
۱۰) رابینسون، نیکلس؛ لاسوریا، کوروکو (۱۳۹۰)، مبانی حقوق بین الملل محیط زیست، ترجمه: سید محمد مهدی حسینی، انتشارات میزان، تهران.
۱۱) رکن الدین افتخاری، عبدالرضا (۱۳۹۵). «ارائه الگوی اکوویلج جهت زیست پایدار در روستاهای حاشیه اکوسیستم تالاب، مورد مطالعه: میانکاله و لپوی زاغمرز»، مجله پژوهش‌های روستایی، ۷، (۱) ۱۰.
۱۲) روحانی‌رانکوهی، مهبد؛ باقرزاده‌کریمی، مسعود (۱۳۸۶). راهنمای تالاب‌های ایران: ثبت شده در کنوانسیون رامسر، انتشارات روزنو، تهران.
۱۳) زاهدی، شمس السادات؛ نجفی، غلامعلی (۱۳۸۵). «بسط مفهومی توسعه پایدار»، فصلنامه مدرس علوم انسانی، ۱۰، (۴)، ۲.
۱۴) شجاعی، مونا؛ شمسایی، ابوالفضل (۱۳۹۳). «تالاب‌ها، تغییرات اقلیم و الگوی توسعه پایدار»، همایش تغییرات اقلیم و راهی به سوی آینده پایدار.
۱۵) طاهری، محسن؛ بای، پوریا (۱۳۹۷). «نقد و بررسی چالش های نظام حقوقی ایران در حفاظت از تالاب ها و ارائه الگوی مطلوب»، فصلنامه مطالعات علوم محیط زیست، ۳، (۱)، ۱۱.
۱۶) طلایی، فرهاد؛ دریادل، احسان (۱۳۹۴). «بررسی چالش‌های تالاب انزلی و راهکارهای رفع آن در چارچوب کنوانسیون رامسر»، مجله حقوقی بین المللی، ۳۲، (۵۲)، ۱۳.
۱۷) طلایی، فرهاد (۱۳۸۳). «بررسی توسعه پایدار در بخش انرژی از دیدگاه حقوق بین‌الملل محیط زیست»، مجله دانشکده علوم اداری و اقتصادی دانشگاه اصفهان، ۱۶، (۲)، ۵-۱.
۱۸) طلایی، فرهاد (۱۳۸۴). «ضرورت رعایت اصول حقوقی حفاظت از محیط زیست در توسعه شهری»، کارگاه آموزشی شهرسازی و معماری سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان فارس، شیراز، شماره های ۱۴ و ۱۵.
۱۹) قتالی‌خمیری، سیدمحسن (۱۳۹۸). بررسی حقوقی منابع آبی و اموال عمومی در قوانین موضوعه ایران، انتشارات سنجش و دانش، گروه آموزشی، تهران.
۲۰) کلاوریچ، گوردون؛ دیویس، جان (۱۳۸۰). فواید تالابها، ترجمه: سیدامیر ایافت، انتشارات دایره سبز، تهران.
۲۱) گوندلینگ، لوتار؛ دبیلو هویسمان، جی؛ هلپاپ، ای.ای (۱۳۹۵). حقوق محیط زیست، ترجمه: محمدحسن حبیبی، موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
۲۲) مدنیان، غلامرضا (۱۳۹۹). چالش‌های حقوق آب: حقوق بین‌الملل آب، انتشارات دادگستر، تهران.
۲۳) مدنیان، غلامرضا (۱۴۰۲). حقوق آب: (حفاظت از منابع آبی)، انتشارات داد و دانش، تهران.
۲۴) میرشکاری، زینب؛ اسدی بروجنی، اسماعیل (۱۳۹۹). «آسیب شناسی زیست محیطی تالاب بختگان»، پیامدها و راهکارها، دهمین همایش سراسری کشاورزی و منابع طبیعی پایدار، تهران.
۲۵) والاس، ربکا (۱۳۹۴). حقوق بین‌الملل، ترجمه: سید قاسم زمانی، انتشارات شهر دانش، تهران.

۲۶) والاس، ربکا؛ مارتین ارتگا، الگا (۱۴۰۱). حقوق بین‌الملل، ترجمه: مهناز بهراملو، انتشارات شهر دانش، تهران.
27) Maute, C. (2015). Homeopathy for planet, 3rd edition, Narayanaverlag press, Friedrichshafen Germany.
28) Dyson, H. (2021). “Environmental Water Requirements: A Demand Management Perspective”, Water and Environment Journal, 5.
29) Farrier, D., & Tucker, L. (2021). "Wise Use of Wetlands under the Ramsar Convention: A Challenge for Meaningful Implementatiton of International Law", Journal of Environmental Law, 12 (3).
30) Philippe, S., Golizzi, P. (2017). “Documents in International Environmental Law”, Cambridge University Press, 6.
31) Timoshenko, A. S. (2018). “Protection of wetlands by International Law”, Pace Environmental Law, School of Law of Pace university, 8.
32) Tyler, I. (2021). “An Ecosystem-based Management Approach for Maintaining Sandhill Crane Nesting habitat on Northern Vancouver Island”, Mster of Science in Environment and Management, Royal Roads Universit, 6.

Review and Evaluating the Framework of Commitments of States in the Protection of the Environment of Wetlands

Hanieh Torkman[1], Behnam Rastegari[2], and Sedigheh Ghasemi[3*]

1- Master of Financial and Economic Law, and Legal Affairs Expert at the Agricultural and Natural Resources Research and Education Center of Fars Province, Fars, Shiraz.
2- PhD in Public International Law, and Assistant Professor, Zand Shiraz Higher Education Institute, Fars, Shiraz.
3- PhD in Agricultural Development and Lecturer, Agricultural and Natural Resources Research and Education Center of Fars Province, Fars, Shiraz
Corresponding author, email: ghasemi.s.sh@gmail.com

Abstract

The Ramsar Convention in 1971 is considered the first major multilateral environmental treaty, on the basis of which the international community began extensive cooperation in the field of environment, especially wetlands. Over time, the activities of the conference have developed and proposed favorable interpretations of the basic principles of the treaty, which has ensured the effectiveness of the convention despite changes in environmental conditions and requirements. Accordingly, the main objective of the present study was to evaluate the framework of commitments of governments in protecting the environment of wetlands, and to evaluate the effectiveness of these commitments using a descriptive-analytical method. The findings show that the largely soft nature of the commitments of the Ramsar Convention, the lack of binding enforcement guarantees, and the extensive dependence of the implementation of its provisions on the will and domestic policymaking of governments have caused its practical effectiveness in preventing the destruction of wetlands to face serious challenges. The results showed that wetland protection, in the system of international environmental law, is more than just an environmental obligation, but a reflection of the changing attitude of the international community towards the link between the environment, development and human interests. It can be concluded that although the Ramsar Convention, as the cornerstone of international wetland law, has brought valuable institutional achievements, responding to emerging environmental challenges will require a critical review of government commitments, strengthening monitoring mechanisms, and moving towards more effective and coordinated commitments at the national, regional and global levels.

Keywords: Government commitments, international conservation treaties, wetlands